

احمد رضائی شهید و شاهد هنگامه‌ها
جهاد سواد آموزی را هر چه بر بارتر سازیم
توطئه فتودالها در دشت مغان
عوامل کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد را



کتابخانه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی را با کمال احترام و احترام ویژه نگاه داریم

خدا، امت بپا خاسته در راه تو، سلامتی
امام، آنکه نامت را با فریادهای «الله اکبر»
به قلب جامعه باز آورد، آنکه پسر
مستضعفان و دشمن سازش ناپذیرستمرگران
است، از تو می‌طلبد. سلامتی آن قلب را
که برای وراثت و رهبری مستضعفان و
نساودی مستکبران در تیش است، ای رب
المستضعفین از تو خواهانیم.

خط امام و رئیس جمهور

● خط امام خواهان مبارزه با آمریکا و متحدین اروپائی و ژاپنی آن، تا پیروزی نهائی و آزادی همه خلقهای زیر ستم است.

تجربه انتخابات رئیس جمهوری و بیماری رهبر محبوب ملت، امام خمینی، دو واقعه یا حادثه مهمی بود که ظرف هفته گذشته آذهنان عمومی را بخود جلب کرد و محور بحث و گفتگوی مردم بوده و هست. سرانجام اکثریت مردم بنا به خواست امام، آراء خود را به صندوقها ریختند و از میان نامزدهای اعلام شده، بهمنی شناختی که ظرف یازده ماه گذشته از طریق وسایل ارتباط جمعی رادیو و تلویزیون و مطبوعات و بالاتر از آن معرفی و تأیید عناصر ذی نفوذ و مورد اعتماد و وثوق نسبت به اشخاص کسب کرده بودند، یک نفر را انتخاب کردند. آنچه که بی هیچ تردید در تشخیص و انتخاب مردم غایب بود، همان معیارهای مکتبی و اصولی و اطلاعات درست، سواى آنچه وسایل ارتباط رسمی در اختیار مردم گذاشتند، و همچنین تحلیل های سیاسی برای تشخیص نقطه نظرهای سیاسی نامزدهای انتخاباتی می باشد. اما مردم چه می توانستند بکنند جز آنکه با قبول ضرورت انتخاب رئیس جمهور که از جانب رهبر محبوب و مورد اعتماد آنان اعلام شده بود، از میان نامزدهای معرفی و یا تأیید شده یکی را سرانجام از میان نامزدها برگزینند. اکنون مردم زمام قسمتی از مسئولیتهای کشور و انقلاب را بر عهده جمهوری و گذار کرده اند،

بقیه در صفحه ۲

طرح سیاست امپریالیسم آمریکا در سخنان کارتر

● کارتر در دوران فعالیتش برای انتخابات ریاست جمهوری بارها می گفت «اگر ما می توانیم دنیا را با سید نان بگیریم، چرا اسلحه ها را بکار نبریم».

این طریق بخش نظامی و صنعتی امپریالیسم سرد سرشار و غیر قابل تصویری را کسب می کند. این سیاست در دوران زمامداری نیکسون و فورد دنبال میشد و در دوران رژیم سفور و وابسته بهلوی، شاه خائن بعنوان ژاندارم منطقه برای امپریالیسم آمریکا در جهان شناخته شده بود، و اکنون هم فروش اسلحه ها به رژیم وابسته سعودی در عربستان و بهائو رسادات خائن در مصر و ملک حسین، عروسک امپریالیسم آمریکا در اردن و به رژیم نظامی پاکستان و حتی ترکیه (که مدتی قطع شده بود)، در خاور میانه و دیگر مناطق بدولت های وابسته ادامه دارد. آمریکا پس از نکتست خود در رویارویی نظامی با خلق ویتنام، که از مدرن ترین و مخوف ترین سلاح های نظامی استفاده کرد، دیگر تجربه نمود که، و قتی که خلقها اراده کنند کاری از بکارگیری این اسلحه ها ساخته نیست. از همین دیدگاه بود که کارتر حتی در دوران فعالیتش

امریکا لاتین، جمع بندی جدیدی به تئورسین های جهان سرمایه داری داده است، تا برای تغییر روش و بکارگیری تاکتیک های جدید، از سلاح دیگری استفاده کنند، و در بکارگیری این روش و تاکتیک جدید، امپریالیسم آمریکا اعلام کرد که «دیگر تا آنجا که امکان داشته باشد بطور مستقیم در جنگ نظامی شرکت نخواهد کرد... و این سهم را به عهده نوکران و وابستگان خود گذاشت. از همین جهت سیل فروش اسلحه و کارفرمایان نظامی را بسوی دولتها و رژیم های وابسته بخود سرازیر و روانه نمود، که از

سرانجام پس از روزها تبلیغات مطبوعات و رادیو، تلویزیون امپریالیسم جهانی و صهیونیسم، کارتر رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی طولانی خود خطاب به نمایندگان در کنگره آمریکا نهدیدترین حالات را به شوروی نمود، و همه آنها را که منافع آمریکا را در منطقه خلیج خطر انداخته اند تهدید کرد که: «امریکا از منافع خود در منطقه بهر صورت دفاع خواهد نمود و آنرا محفوظ نگاه میدارد...»

سخنرانی کارتر دنباله جنگ سردی است که بین آمریکا و شوروی به جریان افتاده است و ادامه همان نیروه و تاکتیکی که از آغاز ریاست جمهوری کارتر برای گسترش منافع و سلطه امپریالیسم آمریکا بکار می برد، یعنی دنبال نمودن همان طرح «حقوق بشر» و «دفاع از صلح جهانی». نکتست آمریکا در ویتنام و آشکار شدن جنایت ضد انسانی و دژمنستی امپریالیسم آمریکا در عملکردهای سازمان جاسوسی «سیا» و نابود کردن چهره های سردمی و رهبران ملی در کشورهای دیگر و کشتار مردم مبارز در آسیا، آفریقا و

ضرورت تغییر اصول قانون اساسی از دیدگاه امام

هم متأسفانه بر سر کارند - در هم ریخت و براه خود ادامه داد...

وقتی امام قصد بازگشت به ایران داشت، همین بقیه در صفحه ۲

امام پیشگام مراحل مختلف انقلاب:

از همان آغاز حرکتها و نظهرات علنی مردم، علیه شاه، نقش پیشگامی امام وجه منحصه انقلاب ایران بوده است. سرعت جریاناتی که در دو سال اخیر منجر به سرنگونی شاه شد، تحت تأثیر تصمیم گیریهای قاطع امام بود که مردم را در جهت هدف بسیج و رهبری میکرد. امام بعنوان وحدت دهنده و رهبری کننده، خلاء نبودن تشکیلات انقلابی پر میکرد. همچنان و تأثیری که هفته گذشته بر اثر بیماری امام مردم را فراگرفت، وجود چنین خلأی را تأیید میکند.

در دوران انقلاب، زمانی که کسانی خواهان دموکراسی شاه بودند، امام بدون تزلزل خواهان سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود. هنگامیکه کسانی با «هائیزه ملاقات میکردند و میخواستند زمام امور را خود بدست گیرند و امام را با آنزوا بکشانند و کاری کنند که امام از سیاست کناره گیری کند و حتی خواهان ملاقات بختیار (بعنوان نخست وزیر) با امام بودند، امام قاطعانه تمام نقشه های شیطانی آنان را - که هنوز

آمریکا، گرداننده کنگرانیس پاکستان

ضد خلقی ترین حکومتها از جمله نمایندگان ملک خالد و سادات خائن و ملک حسین و ملک حسن و ملک قابوس که دشمنان سوگند خورده، اسلام و امت اسلامی هستند، می تواند قدمی در راه تحکیم وحدت خلقهای مسلمان در رهایی آنها از قید زنجیرهای اسارت بسازد امپریالیسم باشد؟

شورای انقلاب اسلامی ایران با عملکردهای خود تاکنون نشان داده است که خود را چندان مقید به حرکت اصولی در خط امام نمیداند، اما امت اسلامی، شرکت در چنین کنگرانیس را تحمل نخواهد کرد. توطئه پناه بردن به آمریکا برای مقابله با شوروی از ننگین ترین توطئه های است که امت اسلامی در گذشته و در حال با آن مواجه بوده است. خط امام، خط خلق است نه خط پناهنده شدن به ابرقدرتها، خط امام، خط حرکت توده ها است نه کنگرانیسهای سلاطین آمریکایی، این حرکت های اسلامی اصیل و انقلابی خلق مسلمان افغانستان هستند که با شناختن ماهیت امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن در بسیاری از کشورهای اسلامی و ماهیت فتودالها و مرتجعین که بنام اسلام در افغانستان سخن می گویند خواهند توانست بپوش نظامی ارتش سرخ را پاسخ اسلامی و انقلابی دهند. راه رهایی و برپایی افغانستان اسلامی و انقلابی از میان فریادهای خون و آتش خلقهای مسلمان فلسطین و ایران و الجزایر، از میان خطوطی که امام خمینی ترسیم نموده اند، از میان مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم آمریکا می گذرد، نه نشستن و برخاستن با ضیاء الحق و سلاطین مزدور آمریکا.

ایتره، راهی است دراز مدت و پرمخاطره و چه بسا که شهدای آگاه و انقلابی فراوانی باید که همراه آگاهیهای توده های مستضعف افغانستان این راه را هوارتر سازند.

تسلیمیت به بازماندگان سازحه هوایی

خبر سقوط هواپیمای ملی که از مشهد عازم تهران بود، و کشته شدن بیش از صد نفر از هموطنان، هاله ای از غم بر قلب همه مردم مبارز در سراسر کشور کشید. ما خود را در این غم و اندوه شریک میدانیم و به امام امت و خانواده های کشته شده در این حادثه عزیزان خود را از دست داده اند، تسلیمیت می گوئیم.

اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی، دامنه توطئه های امپریالیستی آمریکا جهان خوار را در جهان و منطقه خاور میانه و آقیانوس هند و خلیج فارس وسعت بخشیده است.

شوروی برای چندمین بار در تاریخ شیوه های نظامی را جایگزین راه انقلابی است که به نیروی لایزال توده های خلق نموده و با این عمل خود، کمک فراوانی به جنگ افروزان و جهان خواران پنتاگون و کاخ سفید نموده است. امپریالیسم آمریکا دشمن خلقهای سراسر جهان که دستهای جنایتکارش در ویتنام و فلسطین اشغال شده و در جنوب لبنان و ایران تا مرقف بخون خلقها آغشته است، این بار توطئه دیگری تدارک می بیند. امپریالیسم آمریکا با گرد آوردن نمایندگان چهره های منفوری چون ملک حسن، ملک خالد و ملک حسین، سلطان قابوس و سادات خائن و ضیاء الحق و امامت، می خواهد بنام خلقهای مستضعف و مسلمان سراسر جهان سخن گفته و توطئه چینی کند.

این اولین بار نیست که آمریکا روی پای مزدور و خائن بسیاری از کشورهای اسلامی و یا نمایندگان آنها را برای اجرای نقشه های امپریالیستی خود گرد می آورد، آمریکا در گذشته هم برای درهم کوبیدن مقاومت دلیرانه مردم قهرمان فلسطین و مصر و جمال عبدالناصر از این قبیل کنگرانیسها با شرکت شاه خائن و ملک فیصل و ملک حسن و ملک حسین تشکیل داده بود.

بدون تردید آمریکا که در برپایی کنگرانیس اسلام آباد پاکستان، نقش عمده ای داشته است در بی ترمیم عوارض ناشی از نکتست امپریالیسم آمریکا و از دست دادن پایگاهی حساسی چون ایران در منطقه می باشد. حکام خود فروخته بسیاری از کشورهای اسلامی چگونه می توانند در خط امام مستضعفان که بارها تأکید نموده اند:

دشمن اصلی آمریکا است، شیطان بزرگ لبیبایی و الجزایری و فلسطینی و بخصوص شورای انقلاب اسلامی ایران شوال می کنیم. شرکت در کنگرانیس که امپریالیسم آمریکا در پشت صحنه گرداننده، اصلی آن بشمار می رود، با تعهدات شما در قبال خون شهیدان و امت اسلامی بپا خاسته تناقضی ندارد؟

گردم آسیی شما با نمایندگان

میلاد بت شکن ابراهیمی

میلاد محب (ص)
سحرگاهان ۱۷ ربیع الاول، تاریخ رهایی مستضعفین و متقین و صدیقین روزی دیگر خورد. مردی از سلاله ابراهیم با پاری از رسالت روپاروئی نبرد با مزدوران و فرعونیان و طاغوتیان، چشم به جهان گشود. گوئی در آن سبده هم رسالت همه ابراهیمیان تاریخ بر آن گلیه گلی سنگینی می نمود.

محمد پنهانی که اسوه حسنه خواهد شد، پدر و پیاپی امت، دوست محمقوار، رهبر و یار و یاور مستضعفان تاریخ و اسوه خلق

مردی در سبیدی صبحگاهان چشم به جهان گشاید که در همه احوالی در مسیر و مسجد، در جهاد و شهادت، در مکه و مدینه، در این سبوی آشنوی جهان همراه و همپای توده ها، رویاروی ملامت و متفرقین و اغنی خواهد ایستاد.

بقیه در صفحه ۳

خط امام و رئیس جمهور

بقیه از صفحه اول

بود، تنها او را میدیدند که قاطع، سازش‌ناپذیر، بی تردید و تزلزل انقلاب را در خط درست علیه دشمن اصلی اش هدایت میکند، از مستضعفان حمایت و در برابر بزرگترین دشمن شریستی یعنی آمریکا قاطع و استوار و مصمم می‌آید.

مردم از پانزده سال پیش خط اصیل مبارزه و حرکت انقلابی را در عملکرد امام خمینی و مبارزه قاطع و انقلابی فرزندان فدائکار و جان‌کف خلق شناختند، گمانیکه برای آزادی مردم و حاکمیت الله، ملاحظه جان و مال نکردند و فارغ از هر انگیزه خودخواهی و جاه طلبی، عافیت جوتی و یا تحلیلات سازشکارانه چون کوه در برابر دشمن ایستادند.

ویژگی های انقلاب، و بخصوص با او جگرگیری مبارزات انقلابی مردم که آمریکا را مجبور به عقب نشینی تاکتیکی کرد قدرت را بجای انقلابیون و فرزندان راستین مبارز و وفاداران واقعی بخط امام خمینی به افراد و جریانات لیبرال، محافظه کار و سازشکار و حتی مرتجع داد و تعداد اندکی از پاران صمیمی و معتقدین واقعی بخط امام خمینی و مبارزات انقلابی مستولیت یافتند.

سرنوشتی و فرار شاه

قرار بود بعد از سرنوشتی و فرار شاه، مبارزه قاطع با آمریکا آغاز شود. این شعار نشانه ادامه صحیح خط حرکت امام و مبارزه انقلابی خلق بود. ولی دولت لیبرال و عناصر سازشکار و وابسته آن و شورای غیر انقلابی، توان و تمایل به اینکار نداشتند و حرکت انقلابی متوقف شد. تا ماهها بعد که دگر بار امام همراه با خلق مرحله دوم انقلاب یعنی مبارزه ضد امپریالیستی را آغاز کردند و لانه جاسوسی آمریکا توسط فرزندان مبارز و صمیمی امام اشغال گردید. آنچه در این یازده ماه گذشت بمثابة زنگ خطر و هشدار است بملت مبارز ایران، زنگ خطر که چگونه ماهیت غیر انقلابی و سازشکاری روحیه محافظه کاری و اصلاح طلبی و نداشتن بینش مکتبی و انقلابی در زمامداران و مسئولین میتواند برای انقلاب و دستاوردهای آن مصیبت بار باشد. چگونه دشمن غدار ما میتواند زیر سایه سیاست هائی نظیر آنچه که تا کنون حاکم بود، توطئه کند، به نشو و نما بپردازد و خطر را تا بیخ گوش انقلاب گسترش داده و نزدیک کند.

شما ملت قهرمان و مبارز آگاهید که در این مدت جاسوسان آمریکا، ساواکی ها، ماموران سیا، سرمایه داران وابسته، مالکان و فئودال ها، طرفداران بختیار، مرتجعین، فرصت طلبان و منافقان همه آزادانه به فعالیت و توطئه و کار شکی پرداختند و دولت و وزرای آن از سرمایه داران همچنان حمایت میکنند، مانع از بازسازی واقعی صنعت ملی میشوند، جلوی تقسیم زمین میان دهقانان را میگیرند، در دادن وام و اعتبار به زارعان اگراه دارند. از محاکمه ضد انقلابیون، مفسدان و ساواکی جلوگیری میکنند و...

همه این اقدامات ضد انقلابی و غیر مکتبی ظرف این مدت انجام گرفت. اما شما چشم امید به امام داشتید و قلبتان مطمئن بود که رهبر در میان امت است و در لحظات حساس، انقلاب را از انحراف، براه درست هدایت میکند و معیار برای شناخت منافقان و سازشکاران بدست میدهد.

در این مدت شما ملت قهرمان، اشخاصی را از روی اسم و تبلیغات که به نفع آنان میشد و یا دلیل هم جوار می و هم نشینی با امام قضاوت میکردید، به هر کسی خود را با امام نزدیکتر معرفی میکرد، مشاور و هم نشین و همراه و همگام امام میخواند، اعتماد میکردید. با این همه همه خمینی ناهان و انقلابیون بعد از انقلاب خود را حامیان واقعی خط امام جازندند. وابسته های به سیاست های بیگانه و افراد مورد اعتماد آمریکا، مسلمان و انقلابی و یار امام شناخته شدند و مراکز تصمیم گیری را اشغال نمودند. این ضایعات و ضربه به لااقل یک نتیجه بسیار مهم در برداشته است که به شما مبارزان و خلق محروم و پیگار جواست که اشخاص و احزاب را نه از روی شکل ظاهر و هم نشینی و همگامی و نام و عنوان و شعار و حرف دشمن، که از روی معیار بشناسید.

هم اکنون امام این رهبر بزرگ و محبوب زیر فشار سنگین مسئولیت عظیم رهبری انقلاب و در برخورد با آنچه حوادث سنگین و وقایع تلخ و عملکردهای غیر اصولی افراد درستتر بیماری هستند. چرا قلب شما و میلیونها مسلمان سراسر جهان و قلب های میلیونها دیگر از مستضعفان و خلقهای ستمدیده در سراسر دنیا، بخاطر وی می تپد و آرزوی سلامتی و طول عمر میکنند؟ تنها تصور فقدان وی کافی است تا قلبها مان را از جا بکنند و دلهره سراپای وجود مان را فرا گیرد. این تصور که بهرحال روزی بنا بر سنت الهی تحقق می یابد چنانکه خداوند بپیمایر عزیزش فرمود "نگ میت وانهم میتون" همه ما را و شما توده های سراپا عاشق و وفادار

و هماهنگ سازند نه آنکه ایان خود را با سیاستهای آنها سازگار کنند. ۲- ایمان به جوهر اسلامی و مکتبی انقلاب، عاملی که موجب میشود انقلاب از خطر حرکت مکتبی منحرف نشود و به لحن زار دموکراسیهای غربی و سرمایه داری فرو نرود، مانع میشود که انقلاب در درون مرزهای جغرافیایی محدود بماند و رسالت جهانی و مکتبی خود را فراموش کند، وحدت اصولی بین نیروهای خلقی را تسهیل و مانع از دوام نهادهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی رژیم پیشین میگردد، آنرا از وابستگی به قدرتهای بیگانه باز داشته، اصالت راه و مکتب آنرا حفظ میکند. ۳- آمریکا را شیطان بزرگ و بزرگترین دشمن خلق و خدای می شناسد. با این خصوصیات خط

● برای شناخت اشخاص اول باید خط امام را بشناسیم، خط انقلاب را و با معیارهای آن، روش و سیاست زمامداران و احزاب و سازمانها و اشخاص را ارزیابی کنیم.

ما داد، این تجربیات خصوصیات اساسی خط امام را روشن ساخت، بسیاری امروز با آمریکا مانند تضاد انسان و شیطان است اگر بهتر از یکسال پیش امام و خط حرکت وی را می شناسند و کم و بیش صادقانه از روی مشاهده اضطراب از اشتباه خارج شده اند. شما شاهد بودید که دولت و شورا مبارزه علیه آمریکا را ادامه نداد در حالیکه خط امام مبارزه با آمریکا بود و دیدید که رئیس دولت موقت و وزیر خارجه اش با قطع رابطه با مصر موافق اسلامی است، انسانی است، آشتی و همزیستی نبودند در حالیکه خط امام خواهان قطع بین این دو غیر ممکن است. وقتی وزیر خارجه رابطه با مصر وابسته به آمریکا بود، رئیس دولت و وزیر خارجه اش با برقراری رابطه با لیبی مخالف بودند، در حالیکه خط امام آنرا تأیید میکرد، از سفارت آمریکا حمایت و حراست میکردند در حالیکه خط امام مخالف حفاظت از لانه جاسوسی آمریکا بود، یا ملی کردن صنایع، یا ملی کردن بانکها و شرکتهای آمریکایی مخالف بودند ولی خط امام مصادره تمام اموال سرمایه داران وابسته و شرکتهای استعماری را طلب میکرد، با داد گاههای انقلاب مخالف بودند، ولی خط امام مجازات جانیان را تقاضا داشت، با تقسیم اراضی میان دهقانان مخالف بودند ولی خط امام حامی دهقانان بود، با فئودالها همگامی و مماشات و حتی کمک میکردند که مخالف خط امام بود، با گروگان گیری مخالف داشتند دولت و هم شورا ولی خط امام آنرا تأیید میکرد، خواهان آزادی گروگانها نبودند و محاکمه و مصالحه با آمریکا بودند و هستند ولی خط امام مخالف است، تضاد عمدهای بین ایران و آمریکا نمی بینند ولی خط امام مبارزه را تا قطع وابستگی کامل اقتصادی - سیاسی و نظامی ادامه میدهد. با مصادره مستعلات و دادن خاندن مستضعفان مخالف بودند ولی خط امام ارتش و ادارات بوده هستند ولی خط امام ارتش اسلامی و مردمی میخواهد...

اینها نمونه های از تضاد روش مسئولین امر با خط امام بوده هست. اکنون شما بدلیل، افشاگریهای برادران دانشجوی خود و آزمایش خدایی، مبارزه با آمریکا بر ماهیت بعضی از اشخاص و جریانات مطلع شده اید ولی خوبی میدانیم که این جریانات از صحنه خارج نشده اند و در همه جا نفوذ و قدرت و سلطه دارند و شما برای قضاوت درباره روش زمامداران آینده خود به معیار اصولی در تشخیص درست خط انقلاب و امام احتیاج دارید، چه امام برای سالیان درازی به خواست خداوند در میان ملت باشد و چه، چنانکه سر نوشت همه بنسنگدان خدایت به مرحله حیات واقعی و جاودان شایند، برای همه شما مردم مبارز و مسلمان ضرورت دارد که مختصات خط امام خمینی و انقلاب اسلامی را بشناسید. بدانیم که از چه راهی میتوانیم آرزوهای صدها هزار شهید بخون خفته را برآوریم؟ چگونه به آرمانهای مقدسان، آزادی، استقلال و حکومت اسلامی برسیم؟

مشخصات خط امام

با این معیارها میتوانیم خطاب به رئیس جمهور و دیگر زمامداران آینده بگوییم، آقایان اگر خود را وفادار به انقلاب اسلامی و پیرو خط امام خمینی میدانید از نظر ما خط امام با مشخصات زیر شناخته میشود:

۱- آنکه به توده های مستضعف در مبارزه با دشمن و در ساختن کشور وی ریزی نظامی آینده این خصوصیت سبب میشود تا زمامداران از تهدید ابر قدرتها ترسند و همراه با توده های بقایله با دشمنی آنان برآیند. در برابر تهدید نظامی، محاصره اقتصادی و دیگر فشارها تسلیم نشوند و بر راه عملی سازشکارانه نزنند. بلکه با ایمان به نیروی لایزال خلق که با زوری خدادر زمینند، بی تزلزل به راه ادامه خواهند داد، ایمان و آنکه به توده های سبب میشود زمامداران چشم امید و همکاری به سرمایه داران، مالکان، ملا، و مترقیین واغنی و قدرتهای جهانی ننورزند، مکتبی به خلق به حل مشکلات اقتصادی و بازسازی صنعت و کشاورزی و ادارات و... بپردازند، نگذارند قدرتهای دیگر خود را با انقلاب ما تطبیق دهند

امت

جغرافیایی ایران محدود کنند، زندانی کنند، ضعیف ساخته، بروی شعار دموکراسی غربی آنان نمیدانند یا میدانند و عمد دارند که اگر و نهادهای دموکراتیک تا کید نموده، ماهیت انقلاب به درون مرزهای ایران محدود ماند، و یا عملاً "در خط آمریکا گام نهاده است. فوراً خفه میشود و می میرد، انقلاب بارشد دلتی خود زنده است و زنده می ماند و انقلاب اسلامی ایران نمیتواند و نباید صادر نشود، و پیامبر اسلام هم در همان سالهای نخست بعد از هجرت، انقلاب را بدرون سرزمینهای اصیل منحرف نشود.

و شما آقای رئیس جمهور دیگر زمامداران آینده دلتی خود زنده است و زنده می ماند و انقلاب اسلامی ایران نمیتواند و نباید صادر نشود، و پیامبر اسلام هم در همان سالهای نخست بعد از هجرت، انقلاب را بدرون سرزمینهای اصیل منحرف نشود. اگر امپراطوری ایران و روم و مصر صادر کرد. اگر بسیاری از انقلاب های پایان نیافته در درون مرزهای خود محصور شده اند و آمریکا توانست به دلایل ضعف های درونی، آنها را با خود دمساز نماید و با اینکار سایر مناطق زیر نفوذ را نجات دهد، اکنون میخواهد انقلاب ایران را به سر نوشت بقیه دچار کند. هشدار و هشیار که اگر خواهان ادامه حیات انقلاب هستیم، از سرنوشت همه خلقهای جهان غافل نمانیم.

یکی از علائم دوستی و سازش با آمریکا اینست که زمامداران آینده، چون گذشته، نگویند که کاری با کار مردم شبه جزیره عربی، عراق، شیخ نشینها، ممالک آفریقا، سیاهان، مسلمانان آمریکا، خلقهای آمریکای لاتین، ملل آسیا، آسیا، نداریم، بکار خود مشغول میشویم، خط امام یعنی وفادار ماندن به رسالت جهانی، اهمیت چیزیکه آمریکا بیش از همه از آن وحشت و هراس دارد.

۵- قاطعیت در عمل، سازش ناپذیری و اجتهاد انقلابی، خصالت دیگر خط امام است. انقلاب فقط با قاطعیت بر دشمنان خود چیره میشود، مماشات، محافظه کاری و سیاست گام یکجا جز شکست اثری ندارد، خلق برهبری امام با قاطعیت و عمل انقلاب، بر رژیم شاه پیروز

● خط امام مبارزه را تا قطع وابستگی کامل اقتصادی، سیاسی و نظامی ادامه میدهد.

● اگر رئیس جمهور منتخب فعلی هم از مصالحه با آمریکا صحبت کند، در حقیقت خارج از خط امام گام بر خواهد داشت.

شما سیاست گام گام آقایان لیبرالها، حاصلی جز حفظ رژیم شاه و سلطه آمریکا نمیتوانست داشته باشد. با شناخت خط اصیل انقلاب اسلامی و امام خمینی، مشخصات خط دشمن انقلاب یعنی آمریکا روشن میشود. با آگاهی از خصوصیات این دو خط اصلی همه حوادث و وقایع ماههای گذشته و ماهیت و خط مشی اشخاص و سازمانها بخوبی روشن میگردد. و حتی خط امام با مکتبی و اسلامی بودن انقلاب، ضد امپریالیستی و ضد آمریکا بودن و توده های و جبهاتی بودن مشخص میشود.

خط آمریکا آنستکه انقلاب را از جوهر اسلامی، مکتبی آن محروم کند، رهبری خمینی را انکار و تضعیف سازد، خط آمریکا سعی کرد انقلاب را دموکراتیک کند و لیبرالها، مرتجعین، فئودالها و فرصت طلبان و همه مخالفین خمینی از هر منشاء و سازمانها را تاقوت کند، سعی کرد، انقلاب را "ایرانی" جلوه دهد یعنی از صدور و گسترش آن جلوگیری کند. خط آمریکا عملاً به تاقوت جناحهای لیبرال میپردازد. جریانات لیبرالی، مستقیم و غیر مستقیم مورد حمایت آمریکا هستند. به وسیله آنان سعی میکنند رهبری را از دست امام خمینی خارج سازد.

سازش با آمریکا اتشویق کند، اروپا و ژاپن را ظاهر "جانشین آمریکا کند، وابستگی ارتش را به آمریکا و تلاش آمریکا برای حفظ گام اقتصاد ما را وابسته و به غرب سرمایه دار نگاهدارد، هر شخص و هر حزب و جریان اجتماعی که ظرف این مدت بنحوی از انحاء یا خصالت اسلامی و با رهبری امام خمینی مخالفت کرده یا آنرا

ضرورت تغییر اصول قانون

مستقیم و غیر مستقیم شروع به سنگ اندازی کردند و نگذاشتند که در همان اوائل انقلاب که شور انقلابی در اوج خود بود مردم بسوی بسایرگاههای آمریکا و جاسوسخانه های بنهان و آشکار آن پورش برند و ایران را از لوث وجود جاسوسان و سرسپردگان آمریکا پاک کنند. آنان بعضی مبارزه با آمریکا، تضادهای درون خلق را دامن زدند. جنگ عقاید و نفی عقاید و حتی

● اکنون که ضرورت تغییر اصول قانون اساسی توسط امام اعلام شده، بر همه نیروهای ضد امپریالیست خلق است که با وحدت کامل پشت سر امام، خواهان تدوین متممی با ماهیت ضد امپریالیستی شوند.

جنگ جدیدی - نه رسمی - راه انداختند تا قشرهای مختلف درون خلق بنهان هم ببینند و آمریکا فراموش نودولی باز هم امام فریاد خلق ستمدیده ایران که در دام گرگان باران دیده و سیاست بازان پیر افتاده بود رسید و جبهه مبارزه با امپریالیسم آمریکا را گشود. رسوائی لیبرالیسم و انضای روابط پشت پرده مهره های دولت موقت با آمریکا، تجربه سیاسی - انقلابی خلق را غنای تازه ای بخشید و در جهت تعمیق انقلاب موثر افتاد. از این پس برای عمو سام، تعمیق انقلاب ایران مهمترین مسئله است، زیرا در این رهگذر منافع از

ضرورت تغییر اصول قانون

در قانون اساسی ایفای، گسترش صنعت مستلزم تعویض

بسیار است. با توجه به اینکه ممالک را بخاطر جلب رضایت خدا نسبت به نفس (انسانی) خود می بخشند، مرصا الله و تثبیتا " من انقسم کتمل حنه بریوه اصابتها و ابل فقلت والله بما تملون بصیرة " مثل آنکه اموالشان را بخاطر جلب رضایت خدا نسبت به نفس (انسانی) خود می بخشند، مرصا الله و تثبیتا " من انقسم کتمل حنه بریوه اصابتها و ابل فقلت والله بما تملون بصیرة " مثل آنکه اموالشان را بخاطر جلب رضایت خدا نسبت به نفس (انسانی) خود می بخشند،

بقیه از صفحه ۳

مجلس خبرگان، درباره متمم قانون اساسی، امام خود قاطعانه بپذیرخواست بیرون اهل تسنن در سیاست و بلوچستان مبنی بر ترمیم اصل دوازدهم قانون اساسی پاسخ گفت و ضرورت ترمیم بعضی اصول قانون اساسی و کلاً نوشتن متمم برای قانون اساسی را تأیید کرد متن بیانیه امام در این باره از این قرار است: این اصل (اصل دوازدهم) و بعضی اصول دیگر که در متمم قانون اساسی نوشته میشود تصویب آن در صلاحیت ملت است به فرمائیدم گذاشته میشود و از نظر اینجانب بلااعتنا است. روح الله الموسوی الخمنی.

اکتون که ضرورت تغییر اصول قانون اساسی توسط امام اعلام شده، برهه نیروهای ضد امیرالیست خلق است که با وحدت کامل پشت سرآمده است. خواهان تدوین متممی با ماهیت صددرصد ضد امیرالیستی هستند. ما انتظار داریم کسانی که صادقانه خواهان مبارزه با امیرالیسم اند، تمام نیروی خود را در جهت تغییر اصولی که دارای ماهیت ضدامیرالیستی نیست و نوشتن متممی مبنی بر خط امام بکشند. این

این بار نباید اجازه داد که مرتجعین، لیبرالها و کسانی که با آمریکا رابطه حسنه دارند، با حاکم شدن پرچم مجلس متمم قانون اساسی، اصول جدید را در جهت منافع خود تدوین کنند.

به کار در تعاونیهایی تولیدی باشند، زمین را بگان در اختیار آنان قرار گیرد، این اصول و پیشنهادها دیگر در بیانیههایی که انتشار یافت در جهت ترمیم متمم قانون اساسی آورده شده است.

بسیار دیگر از تمام نیروهای خلقی و ضد امیرالیستی می خواهیم که با انشای لیبرالهایی که هنوز افشا نشده اند و بیرون راندن آنان از صحنه سیاست ایران، در جهت تعمیق خط امام بکوشند و با مبارزه پی گیر خود - تظاهرات، تشکیل سپنها و ... برای اطمینان فراهم کنند که متمم قانون اساسی تجسم خط امام - خط مبارزه با امیرالیسم آمریکا - باشد.

در این رابطه ما لازم میدانیم که پیشنهادها خود را در زمینه ماهیت متمم قانون اساسی اعلام داریم. ما از خلق قهرمان ایران می خواهیم که یکپارچه پشت سر امام امت متحد شوند و خواهان تصویب موارد زیر در متمم قانون اساسی باشند:

الف - علاوه بر تغییر اصل ۱۲ یعنی رسمیت بخشیدن به مذاهب مختلف اسلامی، از نظر سیاسی نیز مساوات بین مذاهب مختلف اسلامی و همچنین بین زن و مرد برقرار گردد. در رابطه با تساوی حقوقی زن و مرد، لازم بذکر است که امام قلاً اعلام کرده بود که زن هم میتواند در یک حکومت اسلامی بمریاست جمهوری برسد. این سخن امام باید الهام بخش نویسندگان متمم قانون اساسی باشد.

ب - اصول اقتصادی جدیدی تصویب شده که راه را برای دردم کوبی طبقات استعمارگر - بویژه فئودالها و سرمایه داران وابسته - هموار سازد. ما پیشنهاد میکنیم که برای نابودی سرمایه داری وابسته،



در مبارزات آتی و حفظ دستاوردهای انقلاب عناصر و نیروهای مترقی و انقلابی و اسلامی قرار گرفته و گام های موثری در جهت عینیت امید است که پیام تاریخی امام مورد توجه بخشیدن و تحقق این فریضه اسلامی برداریم.

اخذ یا دادن مازاد، کدام؟

بقیه از صفحه اول

گرداند. منتقدان می گویند، اسلام به مردم توصیه میکند، مازاد بر احتیاج را انفاق کنند، حال اثر افراد نخواستند و نکردند باز ثروت در دستهای عدهای جمع میشود و اختلاف پدید می آید. در صورتیکه در نظامات کونیستی، جز به مقدار احتیاج به کسی نمیدهد و مازاد را به زور هم که شده می ستانند. در قرآن هر دو معنا بکار رفته است، در بیشتر آیات لحن کلام به گونه ای که توصیه همراه با تاکید را بدهن می آورد، جنبه اندرز و هشدار دارد، انسان را بخاطر او بخل که در روز قیامت او را محروم میسازد. مثل اینک طبعی والارض والله بما تملون خیرین ۵۷"

کسانی که به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان داده است بخل میورزند، تصور نکنند بیماری برطرف میشود. وی از واقعیت تاثیر اسم و دارو در هلاکت و سلامت شما کلاماً با شما را با زور دست و پاسته، بندشان شود و (بدانند) که میراث آسمانها و محبوس به انجام ویا برهیز نی نماید، آگاهی زمین از آن حداث و خدایدانچه می کنید اندرز میدهد، توصیه و تاکید می نماید. در مورد انفاق هم همینطور است، خداوند رابطه ی عمل را با هلاکت و نابودی یا حیات در ستاری انسان افشا میکند و به مردم اندرز میدهد، که فرصت مبادله ارزشهای مادی به معنوی و به آتات نشان میدهد و سرنوشت شومی که در اندوختن توشه برای حیات بعدی در همین سال - انتظار مال دوستان و ذخیره کنندگان و استنثار - های عمر است. بعد از آن شرایط پدید می آید، که این سنت ها قوانین در آن جاری نیست، و این نوع مبادله امکان ندارد، پس هشدار که وقت و فرصت از گف ندهید. "یا ایها الذین امنوا انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی یوم الظالمون ۵۴" ای مؤمنان از آنچه روزیشان دادیم انفاق کنید قبل از آنکه روزی بیاید که در آن نه معاملهای و نه دوستی و شفاعتی جاری باشد و کافران (پوشانندگان حق) سنگرانند. یعنی کسی کمان واقعبت را بپوشیده نگاهدارد و اعتنا نکند، بر خود و دیگران ستم کرده است. از این رو دائماً "این حقایق را یاد آوری میکند و به کرات توصیه میکند که انفاق را فراموش نکنید: "وانتسوا الفضل بلنکم ۵۵" بخشیدن مازاد بیکدیگر را فراموش نکنید و از نتایج جنسی انفاق کردن با بخل ورزیدن مردم را آگاه میسازد. " و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتنافاً

در جوامع ابتدایی می گویند تساری و انتراک برقرار بوده است، آیا این تساری و انتراک آگاهانه و آزانانه انتخاب شده است؟

در روند تکامل تاریخ، بر اساس پیشینی تسوحدی، عوامل اصلی محرکه تحولات اجتماعی بطور دائمی از جبر به آزادی تغییر پیدا می کنند.

بما یگوید این سم را نخور شما را حتماً هلاک میکند، ما این دارو را مصرف نکن. بدون شک بیماری برطرف میشود. وی از واقعیت تاثیر اسم و دارو در هلاکت و سلامت شما کلاماً با شما را با زور دست و پاسته، بندشان شود و (بدانند) که میراث آسمانها و محبوس به انجام ویا برهیز نی نماید، آگاهی زمین از آن حداث و خدایدانچه می کنید اندرز میدهد، توصیه و تاکید می نماید. در مورد انفاق هم همینطور است، خداوند رابطه ی عمل را با هلاکت و نابودی یا حیات در ستاری انسان افشا میکند و به مردم اندرز میدهد، که فرصت مبادله ارزشهای مادی به معنوی و به آتات نشان میدهد و سرنوشت شومی که در اندوختن توشه برای حیات بعدی در همین سال - انتظار مال دوستان و ذخیره کنندگان و استنثار - های عمر است. بعد از آن شرایط پدید می آید، که این سنت ها قوانین در آن جاری نیست، و این نوع مبادله امکان ندارد، پس هشدار که وقت و فرصت از گف ندهید. "یا ایها الذین امنوا انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی یوم الظالمون ۵۴" ای مؤمنان از آنچه روزیشان دادیم انفاق کنید قبل از آنکه روزی بیاید که در آن نه معاملهای و نه دوستی و شفاعتی جاری باشد و کافران (پوشانندگان حق) سنگرانند. یعنی کسی کمان واقعبت را بپوشیده نگاهدارد و اعتنا نکند، بر خود و دیگران ستم کرده است. از این رو دائماً "این حقایق را یاد آوری میکند و به کرات توصیه میکند که انفاق را فراموش نکنید: "وانتسوا الفضل بلنکم ۵۵" بخشیدن مازاد بیکدیگر را فراموش نکنید و از نتایج جنسی انفاق کردن با بخل ورزیدن مردم را آگاه میسازد. " و مثل الذین ینفقون اموالهم ابتنافاً

ساختن بندگان را از تساری و انتراک برقرار بوده است، آیا این تساری و انتراک آگاهانه و آزانانه انتخاب شده است؟

در روند تکامل تاریخ، بر اساس پیشینی تسوحدی، عوامل اصلی محرکه تحولات اجتماعی بطور دائمی از جبر به آزادی تغییر پیدا می کنند.

ساختن بندگان را از تساری و انتراک برقرار بوده است، آیا این تساری و انتراک آگاهانه و آزانانه انتخاب شده است؟

جهد سوادآموزی در ایران و بار تو سازیم

حاصل میشود. بنابراین در شرایط فعلی که هنوز هم متأسفانه آموزش و پرورش بدلیل برنامه های غلط و غیر انقلابی همانند سایر ارگانهای دولتی به این زودبیا قادر نخواهد شد گامهای مؤثر و سنجیده ای در جهت ریشه کن ساختن بیسوادی بردارد. جهاد سوادآموزی که بفرمان امام و بعنوان یک اصل انقلابی در جامعه مطرح شده،

حاصل میشود. بنابراین در شرایط فعلی که هنوز هم متأسفانه آموزش و پرورش بدلیل برنامه های غلط و غیر انقلابی همانند سایر ارگانهای دولتی به این زودبیا قادر نخواهد شد گامهای مؤثر و سنجیده ای در جهت ریشه کن ساختن بیسوادی بردارد. جهاد سوادآموزی که بفرمان امام و بعنوان یک اصل انقلابی در جامعه مطرح شده،

جهاد سوادآموزی که بفرمان امام و بعنوان یک اصل انقلابی در جامعه مطرح شده، در صورتیکه برنامه ها و هدفهای مشخص و سازنده ای راندن بال بکند، قادر خواهد شد در اندک مدتی هر چند در سطح خواندن و نوشتن، گامهای مؤثری را بردارد.

در صورتیکه برنامه ها و هدفهای مشخص و سازنده ای راندن بال بکند، قادر خواهد شد در اندک مدتی هر چند در سطح خواندن و نوشتن، گامهای مؤثری را بردارد. جهاد سوادآموزی که بفرمان امام و بعنوان یک اصل انقلابی در جامعه مطرح شده،

در صورتیکه برنامه ها و هدفهای مشخص و سازنده ای راندن بال بکند، قادر خواهد شد در اندک مدتی هر چند در سطح خواندن و نوشتن، گامهای مؤثری را بردارد.

در صورتیکه برنامه ها و هدفهای مشخص و سازنده ای راندن بال بکند، قادر خواهد شد در اندک مدتی هر چند در سطح خواندن و نوشتن، گامهای مؤثری را بردارد. جهاد سوادآموزی که بفرمان امام و بعنوان یک اصل انقلابی در جامعه مطرح شده،

در صورتیکه برنامه ها و هدفهای مشخص و سازنده ای راندن بال بکند، قادر خواهد شد در اندک مدتی هر چند در سطح خواندن و نوشتن، گامهای مؤثری را بردارد.



توسعه فرهنگی و اجتماعی روستاها

"به امت و امام سازش نپذیرد در مبارزه"
بی‌امان علیه امپریالیسم

سنتی‌زاد امت و سازش...

ای دستان سپید رهائی
ای ساقه‌های تناور
بر عمیق خاک خدا
ای روشنائی اصالت هستی
ای آیه‌های خشم پاک خدا
بر امتداد قامت تو
سور خدا می‌تابد
و تنها تویی که در ازدحام شبانه ایلین
تن به سیاهی ندادی
تنها بوزم
و بر ظلمت زمان
تنها بتاب

در مشت تو حضور تو (۱)
و بر پشت تو
پیمان کوه شکن
پای از گذار شب بر صفحه سپیده نهاده‌ای
تنها بتاز
که آگوشه پیش چشم
باری به نزد تو

اربابات به گل و لای بیالابند
دستان آشنا
و یاران دیر و زود
آنها که چون سپیده فراز آمد

نقاب بر چهره سازش فرو بستند!
آه ای دستان پرتوان
ای امت ای امام
اربابات نماند دمی ز راه
بر غایت ستیز، تنها بوزم
که تنها تو از علی (ع) تویی
- وقتی ابوذرت تنها نهاد و رفت -
و به یاران نینوشته
- آن ظالمان بر خون و خط تو - (۲)
امید مدد میند
وقتی خدای
تنها تو را از نوید "نصر"
تنها تو را از امید "فتح"
مشحون نموده است
تنها بوزم
تنها بوزم
و تنها ...
"م - ک"

۱ - اشاره به بازگشت به خویش امت
۲ - اشاره به سخن امام در رابطه با مذاکره با امپریالیسم

طرح سیاست امپریالیسم

کارت و انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا

امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و تجاوزات سلطه‌گراانه دولت نوری و جهانخواهی آمریکا نشان دهند

این مرحله از انقلاب اسلامی ایران را یعنی مرحله مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و حامیان و متحدین آنرا، با موفقیت به پیش خواهیم برد. و این مانورهای امپریالیسم آمریکا، از محاصره اقتصادی تا حرکت کشتی‌های جنگی و تهدیدهای نظامی‌اش را در هم خواهیم شکست، که باید ایسان دانسته بانیم، باطل همچون کف روی آب ناپودشنی است. و حق در تداوم انقلاب همچون آب زلالی است که تشنگان را سیراب خواهد نمود و آشکار میگردد.

حمله شوروی بافغانستان و سخنان کارتر

انفال لانه جاسوسی آمریکا بوسیله دانشجویان مسلمان و دستگیری جاسوسان، ضربهای سریع بر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت و یکپاره در سراسر جهان در میان خلفای محروم، شور ضد امپریالیستی را بر انگیزت که نمونه آنرا در حمله به سفارتخانه‌های آمریکا در لیبی، تایلند، فیلیپین، ترکیه و... دیدیم، چهره ضد انسانی امپریالیسم آمریکا بار دیگر برای خلفا آشکار شد و مشت‌ها از پراکندگی و چند جیتی، به یک جهت و یکسو، یعنی بسوی امپریالیسم آمریکا گره خورد. خلفا از حسالت دفاعی در مقابل حملات امپریالیست‌ها، به حالت حمله و تهاجم در آمدند. و این خود از بهترین دستاوردهای عمل دانشجویان مسلمان بود که امپریالیسم آمریکا و متحدانش سراسیمه از موضع حمله به موضوع دفاع بر آمدند و وحشت‌زده به چاره‌جویی برخاستند. درست در چنین لحظاتی بزرگ و ارزشمند برای خلفا بود، که همه حملات در یک جهت، بسوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش معطوف شده بود، که حمله شوروی به افغانستان و کودتای دیگری در آن کشور، بزرگترین ضربیه و خنده را به این جهت بخشی وارد ساخت و بهترین کمک را به امپریالیسم آمریکا نمود. آمریکا که انگار منتظر چنین موقعیتی بود، با دستگاههای تبلیغاتی وسیع خود، تمام تلاش خود را بکار گرفت تا مساله دخالت نظامی شوروی در افغانستان را بعنوان مهمترین رویداد روز، جایگزین مساله ایران و مبارزه ضد امپریالیستی خلق مسلمان ایران نماید. سخنان کارتر که تا قبل از این عملکرد دولت شوروی در باره ایران و مساله انفال لانه جاسوسی بود، یکپاره بسوی مساله افغانستان و انفال نظامی شوروی معطوف شد و ذهن آماده همه مردم جهان را از دادخواهی مردم ایران منحرف ساخت و بسوی یورش نظامی شوروی متوجه نمود. کارتر نه از آنجهت که برای مردم افغانستان دل می‌سوزاند و خواهان یک حکومت مردمی در آن کشور است، بلکه طرح سخنانش در آنجهت است که در شرایط حساس جهانی به دنیا اعلام کند که ما بین دو قدرت جهانی، شوروی و آمریکا، کیست که حافظ «صلح» است و پیرو همزیستی مسالمت‌آمیز، و همچنان «وحشت از کمونیسم» را در غالب تجاوز شوروی به افغانستان به مردم جهان و نمود سازد و اینکه بالاخره آمریکا که «سید نان» جهان است، بشما نان و مسکن و مسائین و تکنیک خواهد بخشید و بسرخورداری از زندگی مصرفی سرمایه‌داری را به جهانیان «هدیه» می‌کند. رئیس جمهور آمریکا در نطق خود که بوسیله تبلیغات امپریالیستی و صهیونیستی مهمترین سخنرانی کارتر معرفی شد، مهمترین حملات خود را متوجه شوروی می‌نماید و «دفاع» از مردم افغانستان را بعنوان مهمترین وظیفه آمریکا اعلام میدارد، همچنین روابط و تماس خود را با پاکستان گسترش میدهد تا بایگانه خوبی برای سلطه خویش بر منطقه فراهم سازد و از طرفی به تمامی رژیمهای وابسته بخود در منطقه، همچون رژیم مصر و عربستان و اردن می‌آموزد تا ناله‌هایشان را که تا دیروز خاموش بودند، به حمایت از افغانستان بعنوان «کشور برادر» بریزند و یکپاره طرح «اسلام در مقابل کمونیسم» را بسجای «اسلام در مقابل هر باطل» و «اسلام در مقابل امپریالیسم» جایگزین کنند. این امر را باید برادران و خواهران مسلمان در افغانستان مورد توجه قرار دهند که مسلمان نمی‌تواند پیرو رهنمودی باشد که «یک مبارزه از هر جهت و با فیطانی برای پیش برد مبارزه کمک می‌گیرد»، و حمایت کارتر از این شیطان بزرگ و متحدها او، نه به خاطر اسلام و مسلمانان است، بلکه برای پیشبرد منافع و مطامع امپریالیستی خود است. باید که مبارزین افغانستان متحد و یکپاره، به همانکه تجاوزات دولت شوروی را محکوم می‌کنند، دست رد به حمایت کارتر و متحدانش بزنند و حملات خود را علیه حمایت حمله‌گراانه امپریالیسم آمریکا بگوش جهانیان برسانند، تا نشان دهند که بعنوان مسلمان با باطل بهر شکل و شیوه‌ای که خواهد عمل کند مبارزه می‌نمایند، و خط اصیل مبارزه را علیه

امپریالیسم آمریکا و تجاوزات سلطه‌گراانه دولت نوری و جهانخواهی آمریکا نشان دهند

این مرحله از انقلاب اسلامی ایران را یعنی مرحله مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و حامیان و متحدین آنرا، با موفقیت به پیش خواهیم برد. و این مانورهای امپریالیسم آمریکا، از محاصره اقتصادی تا حرکت کشتی‌های جنگی و تهدیدهای نظامی‌اش را در هم خواهیم شکست، که باید ایسان دانسته بانیم، باطل همچون کف روی آب ناپودشنی است. و حق در تداوم انقلاب همچون آب زلالی است که تشنگان را سیراب خواهد نمود و آشکار میگردد.

حمله شوروی بافغانستان و سخنان کارتر

انفال لانه جاسوسی آمریکا بوسیله دانشجویان مسلمان و دستگیری جاسوسان، ضربهای سریع بر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت و یکپاره در سراسر جهان در میان خلفای محروم، شور ضد امپریالیستی را بر انگیزت که نمونه آنرا در حمله به سفارتخانه‌های آمریکا در لیبی، تایلند، فیلیپین، ترکیه و... دیدیم، چهره ضد انسانی امپریالیسم آمریکا بار دیگر برای خلفا آشکار شد و مشت‌ها از پراکندگی و چند جیتی، به یک جهت و یکسو، یعنی بسوی امپریالیسم آمریکا گره خورد. خلفا از حسالت دفاعی در مقابل حملات امپریالیست‌ها، به حالت حمله و تهاجم در آمدند. و این خود از بهترین دستاوردهای عمل دانشجویان مسلمان بود که امپریالیسم آمریکا و متحدانش سراسیمه از موضع حمله به موضوع دفاع بر آمدند و وحشت‌زده به چاره‌جویی برخاستند. درست در چنین لحظاتی بزرگ و ارزشمند برای خلفا بود، که همه حملات در یک جهت، بسوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش معطوف شده بود، که حمله شوروی به افغانستان و کودتای دیگری در آن کشور، بزرگترین ضربیه و خنده را به این جهت بخشی وارد ساخت و بهترین کمک را به امپریالیسم آمریکا نمود. آمریکا که انگار منتظر چنین موقعیتی بود، با دستگاههای تبلیغاتی وسیع خود، تمام تلاش خود را بکار گرفت تا مساله دخالت نظامی شوروی در افغانستان را بعنوان مهمترین رویداد روز، جایگزین مساله ایران و مبارزه ضد امپریالیستی خلق مسلمان ایران نماید. سخنان کارتر که تا قبل از این عملکرد دولت شوروی در باره ایران و مساله انفال لانه جاسوسی بود، یکپاره بسوی مساله افغانستان و انفال نظامی شوروی معطوف شد و ذهن آماده همه مردم جهان را از دادخواهی مردم ایران منحرف ساخت و بسوی یورش نظامی شوروی متوجه نمود. کارتر نه از آنجهت که برای مردم افغانستان دل می‌سوزاند و خواهان یک حکومت مردمی در آن کشور است، بلکه طرح سخنانش در آنجهت است که در شرایط حساس جهانی به دنیا اعلام کند که ما بین دو قدرت جهانی، شوروی و آمریکا، کیست که حافظ «صلح» است و پیرو همزیستی مسالمت‌آمیز، و همچنان «وحشت از کمونیسم» را در غالب تجاوز شوروی به افغانستان به مردم جهان و نمود سازد و اینکه بالاخره آمریکا که «سید نان» جهان است، بشما نان و مسکن و مسائین و تکنیک خواهد بخشید و بسرخورداری از زندگی مصرفی سرمایه‌داری را به جهانیان «هدیه» می‌کند. رئیس جمهور آمریکا در نطق خود که بوسیله تبلیغات امپریالیستی و صهیونیستی مهمترین سخنرانی کارتر معرفی شد، مهمترین حملات خود را متوجه شوروی می‌نماید و «دفاع» از مردم افغانستان را بعنوان مهمترین وظیفه آمریکا اعلام میدارد، همچنین روابط و تماس خود را با پاکستان گسترش میدهد تا بایگانه خوبی برای سلطه خویش بر منطقه فراهم سازد و از طرفی به تمامی رژیمهای وابسته بخود در منطقه، همچون رژیم مصر و عربستان و اردن می‌آموزد تا ناله‌هایشان را که تا دیروز خاموش بودند، به حمایت از افغانستان بعنوان «کشور برادر» بریزند و یکپاره طرح «اسلام در مقابل کمونیسم» را بسجای «اسلام در مقابل هر باطل» و «اسلام در مقابل امپریالیسم» جایگزین کنند. این امر را باید برادران و خواهران مسلمان در افغانستان مورد توجه قرار دهند که مسلمان نمی‌تواند پیرو رهنمودی باشد که «یک مبارزه از هر جهت و با فیطانی برای پیش برد مبارزه کمک می‌گیرد»، و حمایت کارتر از این شیطان بزرگ و متحدها او، نه به خاطر اسلام و مسلمانان است، بلکه برای پیشبرد منافع و مطامع امپریالیستی خود است. باید که مبارزین افغانستان متحد و یکپاره، به همانکه تجاوزات دولت شوروی را محکوم می‌کنند، دست رد به حمایت کارتر و متحدانش بزنند و حملات خود را علیه حمایت حمله‌گراانه امپریالیسم آمریکا بگوش جهانیان برسانند، تا نشان دهند که بعنوان مسلمان با باطل بهر شکل و شیوه‌ای که خواهد عمل کند مبارزه می‌نمایند، و خط اصیل مبارزه را علیه

بقیه از صفحه ۶

برای انتخابات ریاست جمهوری، بارها میگفت «اگر ما میتوانیم دنیا را با سید نان بگیریم، چرا اسلحه‌ها را بکار بندیم». لذا رهبر جدید امپریالیست‌ها، اینبار با تعلق دو سیاست یعنی در عین فروش سلاحها به رژیمهای وابسته و غارت ثروت مردم محروم جهان از اینطرف با ماسک بشردوستانه جلو آمد و البته با «سید نان» سیاست تجاوزکارانه و جهانخواهی امپریالیستی را دنبال نمود.

محاصره اقتصادی ایران

تهدید به محاصره اقتصادی ایران که کارتر در نطق خود به آن اشاره کرده و شیوه سخنرانی‌اش که گاهی با لحن تهدیدآمیز خطاب به مردم ایران و گاهی بصورت دلسوزی و نصیحت که «دشمن شما شوروی است و نه آمریکا» و اینکه آمریکا همچنان به ایران گوشه‌چینی دارد و بیان این مطلب که «بین آمریکا و ایران مشکل لاینحل وجود ندارد»، آمیختن دو شیوه تهدید و ارعاب و تشویق و دلسوزی، خود حيله این سرکرده امپریالیست است، که بارها این شیوه مکارانه و حيله بشردوستانه را بکار گرفته است. از یکطرف همچنان چهره «مقدس» خود را در افغان عوام محفوظ نگاه میدارد و از طرفی چسراغ سیزی به لیبیا و مرجعین وابسته در درون انقلاب ایران نشان میدهد که باب مذاکره و مسائلات و همزیستی مسالمت‌آمیز همچنان باز است و شما در آمریکا در «امنت» و در «اسایش» خواهید بود، و آمریکا و لیبیا در ایران «مشکل لاینحلی» ندارند، و از این طریق خلق و می‌خواهد تا با ایجاد تکلیف و انحراف در قهر خلق و دستاورد تاریخی‌اش که مبارزه با قهر امپریالیستی، جز از طریق قهر ضد امپریالیستی امکان‌پذیر نیست، خنده وارد سازد و موفق شود.

کارتر می‌خواهد تا با محاصره اقتصادی ایران به دنیا چنین وانمود کند، که او لا آمریکا «سید نان» جهان است، و دهان مردم جهان به دستهای «پس‌خنده» امپریالیسم آمریکا وابسته و محتاج است. ثانیاً هرگاه که امپریالیسم آمریکا اراده کند، درب این سید را می‌بندد که آنگاه مردم جهان در قحطی و گرسنگی بسر خواهند برد، و از این طریق جهان را در یک وحشت و قبول احتیاج و وابستگی دائمی خود به امپریالیسم آمریکا نگاهدارد، سائلاً اعلام اینست که هر کس نان می‌خواهد، باید مطیع و رام و دست‌برده و حافظ منافع امپریالیسم آمریکا باشد و همچنان آمریکا را بعنوان ارباب بزرگ قبول داشته باشد. طرح در تنگنای اقتصادی قرار دادن کشورها و مردم از جانب امپریالیسم آمریکا و متحدین آن در اروپا و ژاپن از آخرین تلافیهای مذبحخانه‌ای است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، برای جلوگیری از زوال و نابودی محتوم خویش انجام میدهد. این خود نمونه دیگری است از بیان حقیقت قرآنی که باطل کور و کر است و هرگز منطق تاریخ و خلقهای تاریخساز را در نمی‌یابد، و هیچگاه قدرت درک اراده خلقها را ندارد، آنان که برای آزادی با ایمان قیام کرده‌اند، از محاصره اقتصادی و گرسنگی و تشنگی، باکی و هراسی ندارند، همچنانکه خلق ویتنام در مبارزه بی‌گشش این امر را نشان داد، که چگونه با یک مشت برنج خشکیده، هفته‌ها در سنگر مبارزه به نبرد و مقاومت ادامه میدهند و یا تاریخ صدر اسلام خود الگوی خاصی است که چگونه یاران پیامبر، مسلمین مجاهد و انقلابیون راه خدا، شکمهایشان را با پارچه‌ای محکم می‌بستند و همچنان گرسنه و تشنه در مقابل دشمن تا بی‌جان ایستادگی میکردند و بر باطل یورش می‌بردند. و این گفته رهبر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، خود گویای این چنین اراده شکست‌ناپذیر خلق است «ما یک ملت هستیم که بگرسنگی خوردن‌ها عادت کردیم، ما سی و یا پنجاه سال در این گرفتاری‌ها بودیم و به‌این گرسنگی خوردن‌ها عادت داریم، ما روزه می‌گیریم اگر بنا باشد که آنها فرسوا که بستوانند محاصره اقتصادی کنند و... اگر امر دائر بشود به‌اینکه آبروی ما حفظ بشود و یا شکیمان سیر بشود ما ترجیح می‌دهیم که آبرویمان حفظ بشود و شکیمان گرسنه بماند» این گفته خود راهنمای خلق است تا بسودن کوچکترین ترس از باطل، همچنان ایمن شور ضد امپریالیستی را با شعور ضد امپریالیستی همراه نماید و از امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، بعنوان باطل و سد راه تکامل انسانها شناخت صحیح و درست پیدا کند. همچنانکه امپریالیسم آمریکا با سرنام مبارزه با انقلاب ایران برخاسته، ما نیز باید با برنامه همجانبه و پسوند و وحدت در یک جبهه ضد امپریالیستی به رهبری امام خمینی، متحد یابیم که در اینصورت پیروزی از آن ما خواهد بود و ویژگی



چشم امت، نگار قلب امت

دادخواهی کشاورزان

شاندرمن

بقیه از صفحه ۵

بگویند و تبه‌پنی روا دارند، چگونه می‌توان امیدوار بود که ریشه فساد حق کشیها و اعمال نوظه‌ای ژاندارم که از طرف فرماندهان خود تشویق و مورد حمایت نیز قرار می‌گیرند خواهد خشکید و حکومت عدل اسلامی همه جا را فرا خواهد گرفت؟ اگر کسی از دست این زوال‌فستان با سدک و دلیل نکایت و یا افشگری نماید. او را اخلاک‌گر ضد انقلاب می‌نامند و تهمت‌های ناروایی دیگری می‌چسبانند. بس در این میان چه کسی مسئول است؟ آیا مساجدانان شاندرمن و معتقد به انقلاب اسلامی که می‌خواهیم فریادها و ناله‌ها و زجه‌های کشاورزان محروم را

بگوش امام و شورای انقلاب و مسئولین ساوجبوان برسانیم اراقل و اوپاس و ضد انقلاب و اخلاک‌گر هستیم؟ ما جوانان متعهد و مسئول در مقابل خدا بزرگ و قرآن آسانیش و وجدان خود و با پیروی از خط منی امام از هیچگونه تهدید و تهمت نمی‌هراسیم و برای شهادت در راه حق و عدالت جان برکف آماده‌ایم و از طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی تا آخرین قطره خون خود بشتیانی می‌نمائیم و هرگونه توطئه‌ای را بر علیه مستضعفین محکوم می‌نمائیم. مرگ بر امپریالیسم آمریکا - پیروز باد انقلاب مستضعفان جهان کشاورزان و جوانان مبارز و مسلمان شاندرمن

توطئه‌های فتودالها در دشت مغان

مقدمه:

گزارشی از جریانات اخیر گرمی

بفرمانداری نهد اما پس از مراجعات مکرر جوانان و اعضاء کمیته مجبور به بازپس دادن آن به فرمانداری می‌شوند.

در تحقیقاتی که جوانان مسلمان و متعهد گرمی از روستاهای مزبور کردند با سرمد روستاهای باقرلو و مهدی خانلو نیز صحبت کردند و نتیجه اینکه در دوران تقسیمات ارضی، مازان برای اینکه جلوی تقسیم را بگیرد با چند نفر از چاققداران خود قرار داد تراکت می‌بندد تا بقیه روستائیان نیز با ناسی از آنها اینکار را بکنند و اراضی تقسیم شود. ولی روستائیان اینکار را نمی‌کنند پس از انقلاب مازان همان اسناد قبلی را بر علیه چاققداران سابق خود غلم می‌کند تا به اصطلاح

زودرس بودن انقلاب که خود سرمد اوج گیری قیامهای سرمدی و غصب‌نشینانهای تاکتیکی امیرسلیم آمریکا بود. امکان رشد و انبساط را از نیروهای انقلابی و پیششار گرفت و لاجرم انقلاب قادر نند کادری لازم و سازمان پیششار و ششم خود را بسازد. روی کار آمدن نیروهای لیبرال و سازشکار و نفوذ هرچه بیشتر عناصر مرتجع در مراکز تصمیم‌گیری حرکت انقلابی مردم را نیمه‌کاره گذاشته و جلوی رشد و تکامل انقلاب را گرفت. حمایت بسط‌ریخ از سرمایه‌داران، فتودالها و مسلح ساختن آنان، آزاد گرداندن چاققداران ساواک و ارتش به بهانه عفو عمومی و... نه تنها در عمل انحراف خود را از خط امام و خط انقلاب به‌صورت نشان داد، بلکه با بازگذاشتن دست فتودالها و سرمایه‌داران و چاققداران زمینه را برای فعالیتهای ضدانقلابی آنان آسودتر ساخت.

حوادث قم و تبریز و حملات گستاخانه فتودالها و خائنه‌های زالوصفت در گورنه و کنار کشور پروستائیان بی‌بنا و فلک‌زده خود به‌بانگر مسیزان بی‌بروئی آنان و بهیچ گرفتن انقلاب است. یک روز در گسیند، یک روز در کردستان و روزی دیگر در فارس و آذربایجان شاهد حملات بی‌شمارانه و گستاخانه این عوامل مزدور و ضدانقلابی به‌مردم و روستائیان بیگانه بوده‌ایم و هستیم. حرکات ضدانقلابی فتودالها و سرمایه‌داران و عناصر وابسته و مزدور ارتش که بهمت ارتجاع مذهبی در یک تشکل ضدانقلابی برای اهداف پلید خود و خدمت به‌اربابان آمریکائی تسلور یعنی چنین خائنه‌هایی است. دسیسه‌های ضدحلقی و ضدانقلابی فتودالهای مغان در روستای «گرمی» اردبیل و همکاری روحانی‌نمایانی چند که دین و مذهب را وسیله‌ای برای تخدیز و تزویر و تسخیر توده‌ها و در خدمت اربابان «زره» و «زور» در آورده‌اند و در کنارش ژاندارمری و عناصر وابسته ارتش خود به‌بانگر چنین واقعیت تلخ و عمق فاجعه‌ایست که نوری انقلاب و مسئولین اسر بدلیل مساهت غیرانقلابی و غیرمکتبی‌شان هرگز قادر بصدور آن نبوده و هنوز هم چشم امید به‌فتودالها و سرمایه‌داران «مؤمن» به‌انقلاب و ارتش تصفیه نشده برای شکوفائی وضع کشاورزی و صنعتی و بسرقراری امنیت در کشور دوخته‌اند. گزارش زیر بسیارنگر همکاری نزدیک و صمیمانه اربابان زر و زور و تزویر در یک جناح ضدانقلابی است که در لایه‌های گزارش زیر بچشم می‌خورد.



در تابستان ۵۸ عده‌ای از فتودالها از جمله سازان جعفری و برادرش جعفر جعفری شروع به گرفتن بهره مالکانه از روستائیان و بقول خودشان رعیت‌ها کرده بودند. با وجود تهدید این دو نفر، کشاورزان از دادن بهره مالکانه خود داری می‌کنند تا اینکه ایسن دو سا هیکاری یکی از روحانی‌نماها با روستائیان روستای مرزی باقرلو در محل مسجد روستا وارد گفتگو می‌شوند. روحانی‌نمای مزبور به روستائیان می‌گوید اگر شما بهره ندهید مثل اینست که ۶،۵ صفحه از قرآن را باره کرده و دور می‌ریزید و علاوه بر این آقای شریعتمداری گفته است که باید بدهید ۶ کلا ۷ تا ۸ نفر از روستائیان هر نفر ۳ گونی گندم می‌دهند و بقیه نمی‌دهند. جعفر جعفری نیز افراد روستای مرزی مهدی خانلو را زیر فشار می‌گذارد و که باید بهره بدهید ولی روستائیان این ده که یکی از فقیرترین دهات ایران است از دادن بهره خود داری می‌کنند. چند نفر از جوانان جهت تحقیق به روستاهای بیوک اقبالو (روستای مازان) و مهدیخانلو و باقرلو می‌روند و موضوع را از خود مازان می‌پرسند او اظهار می‌دارد من بهره نگرفتم اما بلکه حق تراکت گرفته‌ام و می‌گویند من سند تراکت هم دارم ولی نشان نمی‌دهد. خست می‌گویند من با تولید ۶۰۰ گونی گندم در سال برای مملکت خدمت می‌کنم. از وی سوال می‌شود تو چگونه توانسته‌ای در این روستای فقیر خانه‌ای به‌این عظمت و مدنی بسازی، او جواب می‌دهد که جلو کورنیستها (مظنورن) آنطرف مرز و روسیه است) باید چنین خانه‌ای باشد تا بداند که وضع ایران بهتر است. لازم به‌یادآوریست که روستاهای اطراف گرمی اکثر آن آب مشروب دارند و نه برقی. اما سازان از برقی اختصاصی استفاده می‌کنند. علاوه بر این در حیاط مازان یک ماشین کمپرس فرمانداری مغان خوابیده بود که از شروع انقلاب آنرا آورده بود در خانه‌اش نگاهداری می‌کرد و می‌خواست که

ماه محرم و بعد از آن در منطقه مغان و گرمی فعالیت‌های تبلیغاتی و روشنگری خوبی داشته است. می‌نمایند بر اساس شکایت روستائیان مجروح، مازان جعفری و جعفر جعفری و فرزند جعفر به‌نام محمد دستگیر می‌شوند و پس از بازجویی مسدوماتی در کمیته گرمی به‌دگاه انقلاب اسلامی پارس آباد اعزام می‌گردند. نماینده گان دادگاه انقلاب اسلامی پارس آباد در معیت یکی از اعضاء کمیته گرمی که آنستایس به‌منطقه دارد جهت تحقیقات محلی دوباره به روستاهای مازان می‌روند و نتیجه تحقیقات خود را به‌دگاه انقلاب اسلامی پارس آباد گزارش می‌کنند پس از دستگیری متهمین فتودالهای منطقه به دست و پا می‌افتند و می‌خواهند با وساطت متهمین را آزاد کنند که دادگاه انقلاب پاری آباد موافقت نمی‌کند.



حق تراکت بگیرد. مدتی از این جریانات می‌گذشت اما اینکه طرح ایجاد نوره‌های کشاورزی از سوی وزیر کشاورزی دولت موقت به‌مرحله اجرا در می‌آید. در منطقه گرمی و مغان اعضاء این نوره‌ها که بطور فرمایشی تشکیل می‌شود از فتودالهای بنام منطقه ترکیب یافته بود که از جمله مازان جعفری و جعفری نیز در این نوره‌های کشاورزی عضویت داشتند. نوره‌های مزبور را عده‌ای روحانی‌نما که سوابق آنها برای تمام اهالی روشن است سرپرستی می‌کنند. با تشکیل این نوره‌ها فشار و ستم وارد به روستائیان متمرکزتر و قانونی‌تر می‌شود. اعضاء و سرپرستان نوره‌ها چندین فقره رشوه می‌گیرند و به روستائیان اعلام می‌کنند اگر غیر از آنچه که ما می‌گوئیم عمل کنید به‌عنوان ضد انقلاب تحویل دادگاههای انقلاب خواهد شد. لازم به‌یادآوریست منطقه تشکیل این نوره‌ها از مشکین شهر شروع شد و اهالی گرمی از آن خبر نداشتند. فعالیت‌های ضد انقلابی ایسن نوره بدینچ روستائیان را نسبت به انقلاب بدبین می‌کند تا اینکه دانش آموزان دبیرستان دکتر سیرعتی در تظاهراتی که می‌کنند خواستار انحلال ایسن نوره می‌شوند. به‌دنبال آن در یکی از راهبیمانیهای عمومی اهالی گرمی مصرراً از مقامات مسئول می‌خواهند که هر چه زودتر نسبت به انحلال این نوره اقدام کند. پس از صدور این قطعنامه از سوی مردم کار نوره‌ها عملاً فلج می‌شود. و مخصوصاً با کنار گذاشته شدن وزیر کشاورزی دولت موقت پشتوانه مرکزی این نوره‌ها مقدری سست می‌شود. نکته‌ای که در اینجا تذکرش لازم است اینست که کمیته انقلاب اسلامی گرمی با آنکه دارای ساخت ارتجاعي و محافظه کارانه بوده (در عین اینکه بعضی افراد مؤمن و انقلابی در آن نفوذ کرده بودند) ولی در جریانات اخیر از روستائیان حمایت می‌کردند مدتی می‌گذشت تا اینکه در ماه محرم بین روستائیان و مازان اختلافی رخ می‌دهد و مازان ادعا می‌کند که روستائیان با باسیندن هم بر جسد یک حیوان سرمد

بعد از این حادثه روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۲۲ مجلس طرحی از فتودالها و سازماندگان مقتولین برگزار می‌شود.

در مجلس مزبور یکی از روحانیون که نسبتی هم با فتودالهای مقتول دارد ضمن یک سخنرانی سرمد را تشویق راهبیمایی و تظاهرات می‌کند و اعدام می‌کند تمام کسانی که بنحوی در دستگیری متهمین

استمداد از رهبر انقلاب امام خمینی و شورای انقلاب استمداد از وزیر کشاورزی و معاونش استاد رضا اصفهانی - استمداد از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز و استان گیلان و شهرستان صومعه‌سرا - استمداد از دادگاه انقلاب استان و نماینده امام در گیلان و استمداد از مقامات مسئول و با ایمان که به‌داد کشاورزان تحت ستم و شکنجه فتودالها و زور گویان منطقه قرار گرفته‌اند پرسند. حدود سی هزار نفر جمعیت زحمت کش و کشاورز شاندن من و مؤمن به انقلاب اسلامی تقاضا دارند که رسانه‌های گروهی روزنامه‌های متعهد و مسئول در مقابل انقلاب و مردم مستضعف فریاد عاجزانه آنها را به گوش اسام و مقامات مسئول برسانند. رژیم جبار و مغفوری بهلولی برای نابودی کشاورزی سنتی و وابسته کردن اقتصاد کشور مان به‌این قدرتها بخصوص آمریکا، بسوسیه فتودالها و خانهای محلی و ژاندارمهای ضد خلقی و مأمورین از خدا بی‌خبر کشاورزان مستضعف را یکی پس از دیگری و با اعمال زور و قدرت و بسول بارتی از کار بر روی زمین عاصی و بشهرها فراری داد. در شاندرمن که نزدیک جمل قریه و آبائی دارد. نمونه‌های فراوانی از زمینهای شالیزار برنج موجود است که با اعمال زور و تهدید و ارباب و احکام تخلیه و تأمین دادگستری و برق سرنیزه ژاندارم از کشاورزان گرفته شده و بی‌باج تیریزی تبدیل گشته و یالم‌بزرع و بایر مانده‌اند. این خانها که بعضی از آنها در کشورهای اروپائی و آمریکا لمیده‌اند و دارند درس جیاول و غارت و راه و رسم استثمار را از اربابان خود می‌آموزند، بنا صدور فرمانی از خارج

- اعضا و سرپرستان نوره‌ها چندین فقره رشوه می‌گیرند و به روستائیان اعلام می‌کنند اگر غیر از آنچه که ما می‌گوئیم عمل کنید به‌عنوان ضدانقلاب تحویل دادگاههای انقلاب خواهید شد.
- فرمانده گروهان ژاندارمری گرمی افراد مسلح کمیته را خلع سلاح نموده و سلاحها را به‌عمال فتودالهای منطقه و چپ‌نمایان و وابستگان رژیم تحویل می‌دهد.

دخالت داشته‌اند باید اعدام شوند و کمیته انقلاب گرمی نیز متحل نشود. با تحریک نامبرده و با برنامه‌ریزی فتودالها فرمانده ژاندارمری روحانی نمایان ایدی رژیم سابق و نیز فعالیت‌های پنهانی فرصت طلبان عده‌ای از مردم که کمتر از هزار نفر بودند به‌خیابان می‌ریزند و با دادن تمارهای تند بر علیه افراد معتقد و انقلابی و نیز پاسداران کمیته‌ها به‌طرف اداره‌ی مخابرات رفته و در آنجا مستحصن می‌شوند و از مقامات مسئول خواستار عملی شدن خواسته‌های خود که انحلال کمیته و اعدام افرادی که در دستگیری فتودالها شرکت داشته‌اند - می‌شوند - قابل توجه است این سفدار اکثر افرادی بودند که در دوران انقلاب تمارهایی بر له رژیم می‌دادند و برای اهالی منطقه ماهیت شناخته شده‌ای داشتند.

بدنبال این وقایع فرمانده گروهان ژاندارمری گرمی افراد مسلح کمیته را خلع سلاح نموده و سلاحها را به‌عمال فتودالهای منطقه و چپ‌نمایان و وابستگان رژیم تحویل می‌دهد و شهر در کنترل این گروه قرار می‌گیرد و امنیت منطقه بشدت تحت مخاطره قرار می‌گیرد. این حوادث با وقایع تبریز هم‌زمان داشته و عده‌ای از اهالی تبریز و حتی چند نفری از کردها به گرمی آمده بودند که موضوع را پیچیده و در عین حال برنامه‌ریزی شده و خطرناک می‌نمایند. طوریکه در تظاهرات آقای شریعتمداری و حزب خلق مسلمان تبلیغ می‌شوند و در دیوارها نیز تمارهایی به‌طرفداری از این حزب نوشته می‌شود و عکس امام باره شده و عکس‌های آقای شریعتمداری بجای آن نصب می‌شود. افراد مؤمن و مسئول در گرمی باز داشت می‌شوند و به‌پاسگاه ژاندارمری برده می‌شوند - ۵۸/۹/۲۳ - در این هنگام گروهی از اردبیل و تبریز مأمور رسیدگی به‌موضوع می‌شوند. هیت به گرمی می‌رسد و قرار بوده با نشی نفر از بااصطلاح نمایندگان مردم که همگی از فتودالها و دارو دسته آنها بسوده مذاکره کنند (قبلاً عده‌ای از پاسداران و مستعدین اردبیل که جهت بررسی موضوع به گرمی رفته بودند خلع سلاح شدند و در گروهان ژاندارمری باز داشت می‌شوند). شب جمعه ۵۸/۹/۲۳ سرمد متوجه دسیسه‌های خطرناکی که در جریان هست می‌شوند. در می‌یابند که توطئه گران تبریز و فتودالهای اطرا اهر و پارس آباد دست اندر کار توطئه بزرگی هستند - جوانان مستعد شبانه به‌دهات خبر می‌دهند و روز

آواره می‌سازند. آبارواست که این کشاورز زجر دیده در حال حاضر نیز که مساهلت از انقلاب اسلامی می‌گذرد با در دست داشتن سند مالکیت و ده‌ها سال زحمت و کشت روی مزرعه و تلف کردن عمر خود با دست خالی و با وضع رقت باری در دادگاهها شهرستان صومعه‌سرا و استان گیلان رفت آمد نماید. لازم به‌یادآوری است که ایسن کشاورز از دست این خان بزرگ و وکیل پایه یک او خسته شده و به‌ستوه آمده است و در حال حاضر از هستی و نیستی ساقط شده و کسی بفرق او امانال او نیست. پس از یک بررسی کوتاه معلوم شد که سپاه پاسداران از منزل این خانه اعظم شکنجه گاه کشف کرده‌اند و در ضمن یکی از بسرائش عضو ساواک بوده است. نمونه‌هایی از ایسن

● این خانها که بعضی از آنها در کشورهای اروپائی و آمریکا لمیده‌اند و دارند درس جیاول و غارت و راه و رسم استثمار را از اربابان خود می‌آموزند.

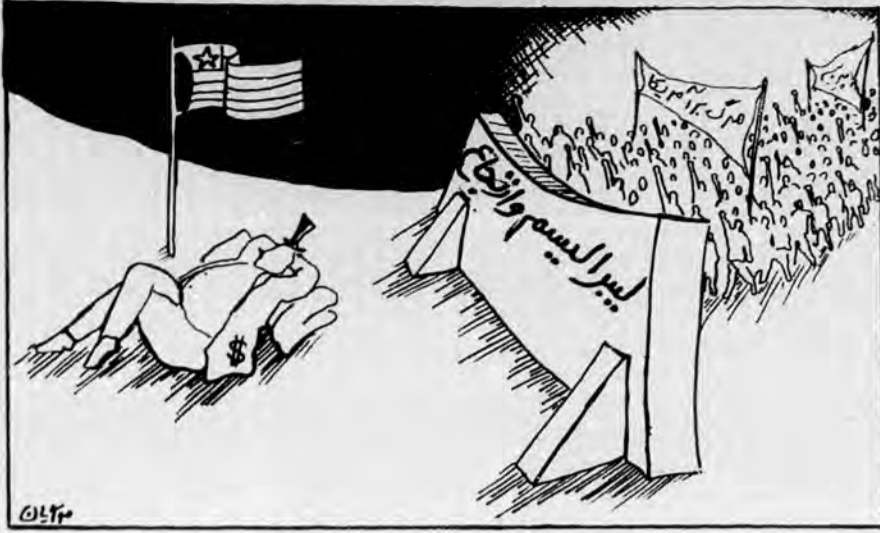
آن بطور عموم استفاده و رفت و آمد نسائیم. و به‌پاسگاه و جنگلیاتی و دادگستری شکایت می‌پرسند و استمداد می‌طلبند. جالب اینستجاست که دادگستری صومعه‌سرا با مشاهده گزارش رئیس‌پاسگاه و مأمور جنگلیاتی محل از مالک حمایت و کشاورزان ساکی و حق بجانب را محکوم و حکم عدم مداخله زار عین را صادر می‌نماید. و با وقتی خان اعظم و بقول خود حاجی بزرگ روستاهای بستم - بسلنگ سری - و انجیلان شاندرمن با ایدای و جقاق و اسلحه بمشزل و مزرعه کشاورزی بنام صفر انجیلاتی حمل می‌کنند و او زن و فرزندانش را زیر شکنجه و کتک مجروح و مصدوم می‌نمایند و بزور آنها را از خانه و کفایت‌شان

عوامل کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد درابه مجازات رسانید

در شماره ۲۷ و ۲۸ هفته نامه امت
برسب مورخ ۵ دیماه و ۲۶ دیماه جموعاً
اسامی ۱۶۴ نفر از عوامل و دست اندرکاران
کودتای سنگین ۲۸ مرداد را نام بردیم .
در این شماره نیز اسامی عده ای دیگر
از عوامل کودتا را بنظر خوانندگان میسرانیم .
قبل از ذکر اسامی لازم بندگذاشت که
امیرالایم انگلیسی صریحاً خود را از نیت
ملی و امیرالایم آمریکا که خواب طلائی
جانین انگلستان در ایران تدش در برابر
سرخنی نیت ملی برهبری دکتر محمد مصدق
نقش براب شده بود ، از اولین ماههای سال
۱۳۳۱ ، توطئه های رنگارنگی را جهت تلاشی
حکومت ملی دکتر مصدق طرح و مرحله اجرا
درآورد . از آن جمله میتوان از روی کار
آوردن قوام السلطنه در ۲۶ تیر ۳۱ و گسترش
مردم مسلم و استقلال طلب ایران در ۳۰
تیر همانسال و توطئه قتل نافرمان مصدق در
۱۹ اسفند ۳۱ و قتل افشار طوسی رئیس
شهربانی حکومت ملی در اردیبهشت ۱۳۳۲
و کودتای نافرمان ۲۵ مرداد و بالاخره کودتای
سنگین ۲۸ مرداد برهبری ژنرال آمریکایی
شورانسکف یاد کرد .

از اولین قدمهای این حکومت انقلابی
اسلامی دستگیری باقی ماندگان و محرمان
توطئه های قوی و مسبین حقیقی تحصیل شاه
فراری و اربابان آمریکائیش بمدت ۲۵ سال
بر مردم دلار و قهرمان مبین ما بود . و این
مطلب بارها و بارها از طرف امام خمینی قبل
و بعد از سقوط سلطنت استبدادی پهلوی
بمعنوان یک اصل پذیرفته شده اعلام گردیده
است . لیکن اکنون که دادگاههای انقلاب ،
رسالت اساسی خود را که همان به محازات
رسانیدن عوامل رژیم سابق و توطئه گران
علیه دستاورددهای زمین شیدا را از دست
داده است ، ما جهت شناسائی خلق و پیمان
هوشیاری مردم این اسامی را گردآوری کردیم
تا این افراد که اکثریت آنان پس از کودتای
۲۸ مرداد بعزت دادن امتحان سرپرستی
و نوکری به دربار پهلوی و اربابان خارجیش ،
نقش حساسی در "اداره" و به تلاشی کشانیدن
ایران ایفا نموده اند ، و امروز هم مسلماً چون
دوران نیت ملی بنوطئه جینی مشغولند ،
براحی نتوانند نقشهای خائنه خود را
باجرا درآوند .

اما اسامی
۱۶۵ - رضا مجیدی مدیر باشگاه بسز
(که در روز ۲۸ مرداد سوار بر اتوموبیلی نمره
میکشید که من میبایستی مصدق را دستگیر
کنم)
۱۶۶ - سرتیب دولو (فرمانده لشکر
اصفهان در ارتباط با ستاد کودتا در تهران
از طریق اردشیر زاهدی)
۱۶۷ - سرهنگ ضرعام (معاون لشکر
اصفهان در ارتباط با ستاد کودتا در تهران
از طریق اردشیر زاهدی)
۱۶۸ - سرتیب زنگنه (رئیس دانشکده
افسری)
۱۶۹ - وخسودی (این شخص با عده ای
سرباز و چند جیب از بعد از ظهر ۲۸ مرداد در
حوالی چهارراه بوسفاد مشغول تظاهرات
بدفع شاه فرای و علیه حکومت ملی بود)
۱۷۰ - سرتیب گوزن (که در ارتباط با
افسران کودتاچی کمیته باصطلاح "نجسات"
وطن بود و افراد ارتشی بدون سلاح مسلح
و شوق به شورش علیه حکومت ملی میکرد .
۱۷۱ - سرهنگ علوی کیا (رابط
کودتاچیان مقیم در تهران با افسران ضد ملی
لشکر اصفهان)
۱۷۲ - سرتیب محمدحسین جهانیان
(در ارتباط با ستاد کودتا در اختیاریه) و
بگفته خودش ، زمانیکه زاهدی مقدمات کودتا
را آماده میساخت ، او زاهدی را با ماشین
خودش شبها به محلها نیکه لازم بود میسرانده
است ، این شخص بدلیل خدماتش پس از کودتا
معاون وزیر کشور گردید .
۱۷۳ - سرتیب فولادوند رئیس اداره
کل مرزبانی .
۱۷۴ - شاپور علیرضا رابط ستاد کودتا
با کانون مخالفین حکومت ملی در آذربایجان
۱۷۵ - برادران ذوالفقاریا (از خوانین
آذربایجان و از گردانندگان کانون مخالفین
حکومت ملی در آذربایجان) .
۱۷۶ - برادران افشاریها (از خوانین
آذربایجان و از گردانندگان کانون مخالفین
حکومت ملی در آذربایجان) .
۱۷۷ - سرگرد موادیان (در منزل این
شخص جلسه ای از افسران مخالف نیت ملی
تشکیل و هم پیمان شدند که علیه حکومت ملی
و بنفع شاه وارد عمل شوند)
۱۷۸ - نصرالله آذری (از فعالین کودتا
در اهواز و مالک بنگاه کشاورزی "زکا" در
آن شهر .
۱۷۹ - سرهنگ نصرالله حکیمی .
۱۸۰ - سرهنگ بقاء فرید .
۱۸۱ - سرگرد ذوالفقاری (افسر قسری
کارخانه تعمیرات اربابهای جنگی و عضو



مینویسد .
"عبدالعلی منصوربور" آجودان شاه
مخلوع و مشاور ساواک در امور اکراد به جرم
همکاری با ساواک منحل در سرکوبی ملت مبارز
ایران به ده سال حبس و انفصال دائم از
خدمات دولتی و همچنین استرداد وجوهی
که از ساواک گرفته محکوم شد .
وی که در شعبه سوم دادگاه انقلاب
اسلامی مرکز محاکمه و محکوم شد از سال
۱۳۴۰ تا دیماه ۵۷ با ساواک منحل همکاری
داشت .
از دیدگاه دادگاه "انقلاب اسلامی" ؟!
جرم آجودان شاه مخلوع بودن و مشاور
ساواک در امور اکراد (یعنی طراح کشتن
خواهران و برادران هم مبین کرد ما ، یعنی
طراح اعمال تنقیق ملی فرهنگی ، سیاسی ،
اقتصادی و ...) و ۱۷ سال فعالیت در سازمان
جهنی ساواک مساویست با ۱۰ سال زندان
که لابد آنهم با یکدرجه عفو بخشوده خواهد
شد .
وقتی به این دادگاه "انقلاب اسلامی"
گفته میشود که این شخص در کودتای سنگین
۲۸ مرداد نیز دست داشته است ، چنین پاسخ
میشویم : "در این مورد در پرونده او چیزی
موجود نیست" ؟!

۲۱۴ - ستوان دوم امیر خسرو داد
(برادر خسرو داد معدوم) .
۲۱۵ - ستوان دوم مظاهری (که در
جریان حمله به منزل دکتر مصدق کشته شد) .
۲۱۶ - ستوان یکم شجاعی (استاد
دانشگاه نظامی) در ارتباط با ستاد کودتا در
اختیاریه قهلق و محافظ زاهدی در ۲۸ مرداد .
۲۱۷ - سرهنگ صدیق مستوفی (که پس
از حادثه ۹ اسفند توسط حکومت ملی زندانی
شد) .
۲۱۸ - سروان منصور خدابار (همزندان
باتناقلیح و نصیری پس از کودتای نافرمان
۲۵ مرداد) .
۲۱۹ - سرگرد مقدم ، پس از ۲۸ مرداد
به درجه سرهنگ دومی ارتقا یافت .
۲۲۰ - سرهنگ ۲ حمیدی از افسران
شهربانی .
۲۲۱ - سرهنگ دیهیم (در رابطه با
خدماتش به کودتاچیان در ۲۸ مرداد به درجه
سرتیبی رسید) .
۲۲۲ - سرهنگ قربانی (در ۲۸ مرداد
با تانک برای حمله بسوی خانه مصدق رفت)

۲۰۰ - سلیمان بهیودی ، کاخ دار
سلطنتی .
۲۰۱ - بولاد دز افسر شهربانی .
۲۰۲ - عبدالعلی اشتری (بازرگان)
۲۰۳ - سرهنگ دوم امینی .
۲۰۴ - ستوان یکم اسکندری .
۲۰۵ - سرهنگ خلعتبری (افسر
شهربانی) در روز ۲۸ مرداد در محل اختفا
و توطئه و ستاد کودتا بفرماندهی زاهدی بود .
۲۰۶ - سروان سوار داوریانه (در روز
۲۸ مرداد در محل اختفا و توطئه و ستاد
کودتا بفرماندهی زاهدی بود .
۲۰۷ - گروهان زاله (در روز ۲۸ مرداد
در محل اختفا و توطئه و ستاد کودتا بفرماندهی
زاهدی بود .
۲۰۸ - ستوان دوم ایروانی .
۲۰۹ - ستوان یکم صاحبی افسر گارد
که با ارباب ۴ در ۲۸ مرداد به کمک کودتاچیان
آمده بود .
۲۱۰ - ستوان یکم منجمی که با ارباب
۴ در ۲۸ مرداد به کمک کودتاچیان آمد .
۲۱۱ - سرهنگ ۲ ستاد محتبی آخوی .
۲۱۲ - سروان مسکوکی .
۲۱۳ - مشکین یا مشکي ، فرد مرموزی که
در ۲۸ مرداد نقش رهبری داشته (ظاهراً"
اسم مستعار میباشد) .

گردهمائی جنبش های آزادیبخش

انقلاب و مکتب انقلابی اسلام کسب خواهد کرد و
این خود در همراه ساختن خلق های مستضعف جهانی با
خود و حرکت در جهت ختنی نسوون تسلیفات نوم
امیرالایمیتی نقش عمده ای خواهد داشت . چرا که آنچه
امیرالایم آمریکا را بسوخت می اندازد طرح لندن
اندیشه انقلابی اسلام در بین مسلمین و ارائه یک
الگو و نمونه عینی و حرکتی جدید در جهان اسروزی
است و از این نظر که امیرالایم می گوید با تسلیفات
انحرافی خود جلو سبیل و نمونه قرار گرفتن انقلاب
اسلامی را بگیرد . و این رسالت مسلمین و مسومنین
به مکتب محمد و راه او را بیشتر و بیشتر می سازد و
باری پس گران بر روی بهرون حقیقی قرآن می گذارد .

حرکت اخیر دانشجویان

حرکت اخیر دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی
آمریکا در واقع خود نمایانگر احساس و درک جنبش
ضرورتی است . حرکتی که اگر از ابتدای شروع
انقلاب در یک چارچوب اصولی و منطقی با سوازیین
اصیل اسلامی بگرمی رفت نه تنها قادر بود در این
بازده مساهه مساهیت انقلابی اسلام و قساطعیت و
انشتی ناپذیری رهبر انقلاب ، امام خمینی را در سطح
جهانی بخوبی به نمایش گذارد ، بلکه میتوانست با ارائه
نمونه و فرمی اصیل از اسلام و حکومت اسلامی
ماهیت کشورهای ارتجاعی عربی را که سالها در زیر
سایه تسلیفات ارتجاعی - امیرالایمیتی بسوخت
حکومت های "نمونه" اسلامی معرفی نموده اند و کرده
و حیثیت از دست رفته اسلام را باز گرداند . آتسا
همانطوریکه دیدیم بدلیل ماهیت غیر انقلابی و غیر
مکتبی هیئت حاکمه ام از دولت و شوروی انقلاب و
نزدیکی و همگامی آنان با طرح های امیرالایمیتی ، نه
تنها جنبش همی رخ نداد ، بلکه با آب و تاب فراوان
اساس کارهای "تیلیفی" بر پایه عدم صدور انقلاب
قرار گرفت . در دنا کانه اینکه با قرار گرفتن عناصر غیر
انقلابی و غیر مکتبی در رأس ارگانهای تسلیفی چون
رادیسو و تلویزیون و عدم تصفیه عناصر وابسته
بخصوص در تلویزیون (که هنوز هم تلویزیون در
همان خط فاجعه آمیز در حرکت است) کوچکترین
قدمی اصولی در جهت شناساندن انقلاب اسلامی بر
ندانستند و با دست نزنن به تسرکیب و مساهیت های

انقلاب بسنابه یک دگرگونی عظیم اجتماعی و
بمانند یک حرکت ویژه گسی و خصوصیات خاص
حرکتی خودش را دارد همانگونه که از مفهوم آن
برمی آید سیلان و جریان مداوم از ویژه گبهای خاص
آنست . پدیده ای است که اگر حرکت و جاری شدن را از
آن بگیرند و یا در محدوده و چارچوبهای تنگ و غالبی
محصور می نمایند در اندک مدتی همچون یک واقعه
تاریخی از یادها رفته و از خاطر ما محو میگردد . یک
انقلاب اصیل نه تنها حرکتی جدید و نوین در متن
جامعه ایجاد میکند که همچون رودی خروشان ، امواج
بر تلاطم وجودشان انقلاب را تا دور دستهای حرکت
در می آورد و جوامع دیگر را در جریان دستاوردهای
خود قرار میدهد . از این دیدگاه است که انقلاب را نه
حرکتی صرف در متن یک جامعه که حرکتی فراگیر و
بویا در متن جوامع و کشورهای دور دست دید .
اینجاست که اهمیت و ارزش تئوری انقلابی و
مکتب و ایدئولوژی راهنمای عمل مشخص و مسعین
میگردد . چرا که اصالت و ارزش یک انقلاب در
گسترش و فراگیری آن است و مکتب بسنابه محتوی و
ماهیت انقلاب خود جهت دهنده و نتاب دهنده آنست .
کیفیت و ماهیت مکتب نقشی خلاق و کار ساز در روند
و پیشبرد امر انقلاب دارد . مکتب و جهت فکری که
اصالت انقلاب را محک میزند و دستاوردهای آنرا
محتوی و ارزشی خاص می بخشد . محتوی و ارزشی
که از بطن خود مکتب و ایدئولوژی می جویند و
بیرون می زنند . اسلام بسنابه یک مکتب فکری -
عقیدتی از بدو ظهورش انقلابی نو در همه ابعاد در
متن جوامع بشری ایجاد کرد و در روند خویش چون
سبیلی خروشان و طیفانگر موانع و بستی و بلندی های
اجتماعی را بسته و جامعه ای دیگر و انسانی جدید
آفرید ، انسانی که عقیده و جهاد ایتبار و گسفت از
منشخات بازز آنست . بنابراین در یک کلام انقلاب
جریان مداوم فکر و اندیشه و عمل متحول و تکامل
یافته ای است که جاری بودن و سیلان معیار ارزشی و
ناخسه آنست . و دقیقاً از همین دید است که

سفارت های ناخشندهی در خارج (بجز جاهجهانی و
به اصطلاح تصفیه چند عنصر معلوم الحال) امکان
تبلیفات بین المللی را نیز از انقلاب گرفتند .
دیدیم که چگونه در اوایل انقلاب رهبر جنبش
آزادی بخش مورو با یک دنیا امید و آرزو به ایران آمد
اتا مایوس و سرگشته باز گشت و دولت سوقت حتی
حاضر نند بخاطر مخالفت های بین المللی امیرالایم
دفتری در اختیار آنان قرار دهد . و اگر هم اجازه باز
ندن دفتر به سازمان آزادی بخش فلسطین داد مسطناً
بدلیل محبوبیت و مقبولیت بیش از حد فلسطینی ها در
نزد خلق ما بود و باز دیدیم که چگونه با بهانه های بسوج
و راهی دفتر آنان را در خسوزستان بستند . پس چنین
گسفته سباهی از دولت سوقت و عملکردهای غیر
انقلابی و غیر مکتبی آنان ، عشق و محتوای انقلابی
دعوت از جنبش های آزادی بخش بهتر درک خواهیم
کرد . حرکتی که اسام بارها و بارها در خطبه های و
رهنمودهای تاریخی خود ضرورت آنرا در جهت
وحدت و همبستگی مستضعفین جهان و لزوم تشکیل
گردهمائی انتررا در یک جبهه واحد جهانی مستضعفین
اعلام نموده بود . آتا بدلیل فقدان ارگانهای انقلابی در
مراکز تصمیم گیری این بهام نیز تسلیف شده و بسدست
فراموشی سپرده شد . چرا که آنان بدلیل قسریست و
سطحی نگری هرگز قادر بدرک همبستگی و وحدت
خلق های تحت ستم جهان و حمایت از جنبش های
آزادی بخش که خود به نوعی با امیرالایم جهانیان در
مبارزه اند - نیستند . نمی توانند متوجه باشند که در
شرایط فعلی این وحدت و همگامی چقدر ضرورت
حیاتی و اجتناب ناپذیر دارد . بسی تسفاوتی شوروی
انقلاب در جلسه این گردهمائی و حتی عدم صدور
اعلامیه ای در تأیید آن بهترین دلیل بر عدم درک این
ضرورت و ننانه نگرائی و دلوایمی آنان از این قسبل
عملکردهای انقلابی - مکتبی است .
بخوبی می دانیم که اصالت و ارزش یک حرکت
انقلابی و مردمی در جهانی بودن و گسترش همه جانبه
آنست و در چنین شرایط است که خلق ها آنرا از خود و
متعلق بخود می دانند . و اسلام بدلیل چنین اصالت و
ماهیتی قادر است تمام مستضعفین جهان را در صفی
واحد و یکپارچه گرد آورد چرا که بقول بنر طالقانی
هر انقلابی بر علیه استبداد ، استثمار و استعمار در هر
جگای جهان که بماند یک انقلاب و حرکت اسلامی
است . امروزه نزدیکی و همگامی هر چه بسنتر
بقعه در صفحه ۸

استعمار صهیونیستی و آغاز مبارزه مسلحانه در فلسطین (۵)

سپتامبر ۱۹۷۰، سال مرگ و خون

- یاسر عرفات: ما هدفی جز بازپس گرفتن سرزمینهای اشغال شده مان را نداریم و این آرمان تنها با سلاحهایمان عملی خواهد شد.
- شورای عالی فلسطینی اعلام می کند که «ما بدون هیچگونه تردید و ابهامی توطئه های آمریکا در پوشش طرح را جز را کاملاً رد می کنیم».

از آغاز ماه اوت رؤسای مختلف قبایل، چندین کنگره برای افتاد و اعتراض نسبت به روند فزاینده فداثیان تشکیل می دهند. در چهار سیتامبر دوباره مجمع در جنوب کشور تشکیل داده، خواهان عزیمت کماندوهای فلسطینی از شمال کشور میشوند در اواسط بعد از ظهر ۱۵ سپتامبر، ملک حسین تصمیم می گیرد که قدرت خویش را با بکار بردن زور دوباره برقرار سازد. توافق اخیری با رهبران فلسطینی وی را متقاعد نمی کند. زیرا وی می گوید، با چه ضمانت اجرائی و دلیلی میتوان موافقت نامه ها را به مورد اجراء درآورد. در صورتیکه توافقی قبلی هرگز عملی نگردد. ملک حسین تمام بعد از ظهر همان روز را در کاخ سلطنتی خود با دو تن از نزدیکترین مشاورانش - وضعی وزید - و سه تن از سران ارتش، سید زیدین شاکر و ژنرال EL. AJLOUNI و قاسم میتاح به مذاکره و تبادل نظر در مورد اوضاع جاری کشور می پردازد.

هر پنج نفر آنها از طرفداران شدت عمل در مقابل کماندوهای فلسطینی بودند. در صورت بکار گرفتن قدرت نظامی، ملک حسین پیش بینی عکس العمل شدید افکار عمومی عرب را می کند. ولی او در این زمینه بروی پشتیبانی عبدالناصر حساب می کند.

از طرف دیگر مطلع شده است که تب گذشته یک قسمت از نیروهای زرهی عراق که نزدیک راه کا (نزدیکی عمان) قرار دارند، بطرف مغرب در شمال حرکت کردند. این نقل و انتقالات میتواند نشانه بیطرفی عراق در کشمکش های اخیر باشد. (پا بعبارت دیگر چراغ سبز نشان دادن). در این مسوقیت فقط عکس العمل سوریه در مقابل یک حمله نظامی به فداثیان برای ملک حسین نماند. فداثیان فلسطینی در پایان روز شخصیت های سیاسی و نظامی حاضر در کاخ، ملک حسین را متقاعد میکنند. قبل از آنکه کشور را در هرج و مرج کامل فرو رود، باید اقدام فوری بعمل آورند. آنها حدس می زنند که برای برقراری نظم و قدرت دولتی فقط به چند ساعت وقت لازم است. همان شب ملک حسین ژنرال محمد داود را که احساس همدردی زیادی نسبت به فلسطینی ها داشت به کاخ خود احضار میکند. او معتقد است که ژنرال محمد داود میتواند در اوضاع کنونی اقدام به تشکیل یک دولت نظامی موقت کند. چه وی کمتر مورد سوءظن کماندوها و رهبران فلسطینی می باشد.

از سوی دیگر وی میخواند از وفاداری ارتش نسبت به خود مطمئن باشد. ۱۶ سپتامبر ساعت ۶ صبح رادیو عمان اعلام میکند، یک دولت نظامی مرکب از ژنرالها، سرهنگها و فرماندهان ارتش تشکیل گردیده است. مارشال عباس مجالی بعنوان فرمانده کل ارتش و فرماندار نظامی منسوب گردید. تا گفته نماند که اعضای این دولت از شهرت ضد فلسطینی خاصی برخوردار می باشند. برای جنبش مقاومت فلسطین، تشکیل این دولت به مثابه اعلام جنگ علیه آرمان فلسطین بود. کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین، نیز به نوبه خود فوراً در جبل الحسین تشکیل جلسه داده، یک شورای جنگی انتخاب می کنند تمام نیروهای فلسطینی (ارتش منظم، فداثیان و دسته های چریکی) که شامل ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر بودند مستعداً تحت رهبری یاسر عرفات قرار می گیرند. ژنرال عبدالرزاق رهبری نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین را به عهده می گیرد. در این زمان نیز جبهه برای آزادی فلسطین نیز از نو با کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین، جبهه واحد تشکیل می دهد.

چند ساعت بعد از معرفی دولت نظامی، از فداثیان فلسطینی خواسته می شود که سلاحهای خود را تحویل مقامات دولتی دهند. ولی فلسطینی ها آنرا نمی پذیرند. اوایل بعد از ظهر، یاسر عرفات اولین دستورهای خود را به تمام نیروهای مقاومت تحت فرماندهی خود را صادر میکند. نلیک به دستها و مواضع سربازان اردنی اکیداً ممنوع بوده، فقط زمانی کماندوها میتوانند نلیک کنند که مورد حمله و تهاجم نیروهای ارتش اردن قرار گیرند. علیرغم آخرین کوشش های ژنرال داود، عمان صحنه نبردهای خونین می شود. کمیته مرکزی و سندیکاهای اردنی دعوت بسیک اعتصاب عمومی نامحدود، از تاریخ ۱۷ سپتامبر میکنند. در این زمان شهر را حالت وحشت و اضطراب فرا می گیرد. در اطراف اردوگاههای فلسطینی و دفاتر سازمانهای مختلف فلسطینی سنگر بندی می شود. با آغاز شب مسلسل های سنگین و خنجره اندازها آماده دفاع و پاسخ به تیراندازهای ارتش اردن می شوند. ادامه دارد.



میشوند. کمیته مرکزی با ناتوانی «عناصر مشکوک» را که در صدد از بین بردن امکانات سیاسی، و مذاکره بودند» شدت مورد انتقاد قرار میدهد. ملک حسین به مقاومت فلسطین نسیباً اخطار و اعلام میکند که دیگر نمی تواند «توهمین و رسوائی» را بیش از این تحمل و اغماض کند. در همین حال سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام میدارد که: متر. C. O. L. P توسط توپخانه اردن بستوب بسته شد. در صورتیکه رهبران فلسطینی در آن محل تشکیل جلسه داده بودند. با بحرانی تر شدن اوضاع و حالات ارتش اردن به فداثیان چهار سیتامبر، دولت لیبی تصمیم می گیرد کمکهای مالی خود را به اردن قطع کند. «زیرا این کمکها جز آنچه در کثرت ناس خارطوم پیش بینی شده بود، بکار رفته است». در زمانیکه در شمال اردن نبرد عمومیت می یافت، رادیسو بسفداد آنتن های رادیسو خود را در اختیار سازمان آزادیبخش فلسطین میگذازد. آنتن بس و توافقی هائی که با کمک کشورهای عربی مورد قبول طرفین واقع شده بود، قبل از آنکه به مورد اجراء درآید نقض میگردد. در این حال ارتش اردن اعلام میکند که از پایتخت خارج میشود، بی آنکه دست به اقدام نظامی نی علیه فداثیان بزند. مقامات اردنی می خواهند که فداثیان مسلح خیابانهای پایتخت را خالی کرده و بیرون روند. ولی آنها همچنان با سلاحهای خود در شهر برفت و آمد مشغول و اقدام به ساختن مانع و سنگر می کنند. با بمباران با پهلوهای فلسطینی در شمال و شکست کوششهای سیاسی برای باز یافتن راهحلی، اوائل سیتامبر میشود که اجتناب از یک جنگ وسیع و برادر کنی غیر ممکن می باشد.

چه کسی در اردن حکومت میکند

عوامل و علل متعددی (از جمله بیرون چندین هواپیما توسط اعضای جبهه برای آزادی فلسطین به سرپرستی حبش) در اتخاذ رویهای آینده ملک حسین تأثیر بسزائی داشته اند. ملک حسین که شاهد از دست دادن بیش از بیس اختیارات و نفوذ خود می باشد، با به کنترل درآمدن شهرهای شمالی اردن - اربید، سالت، ارکا، جراس - توسط فلسطینی ها و ایجاد جمهوری در اربید توسط F.D.P.L در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۰ برای اجراء نقشه های خطرناک خود مصمم تر میگردد. کماندوها تقریباً در تمام ادارات حضور دارند. آنها را میتوان حتی در مرکز بسرق و اداره بست اصلی شهر یافت. فداثیان هم چنین در سرویس های امنیتی نیز نفوذ کرده اند. آیساً نهضت مقاومت فلسطین قصد بدست گرفتن قدرت را در اردن داشته است؟ تقریباً تمام رهبران فلسطینی جواب میدهند: «نه، ما خواهان رفتن ملک حسین نمی باشیم، ولی خواست ما تشکیل یک حکومت ملی می باشد». عدم رعایت سلسله مراتب در ارتش روز بروز بیشتر گشته، واحدهای ارتش خود ابتکار حمله به فداثیان را در دست می گیرند و ملک حسین، خود را با اعتراض نظامیان و قبایل مختلف مواجه می بیند.

۳۱ ژوئیه، یاسر عرفات خطاب به بیش از ۲۰ هزار نفر در عمان می گوید: «نبرد مسلحانه همچنان قراره ما خواهد بود». اما خط مشی مشخصی را برای آن اعلام نمی کند.

سوریه و عراق، بتوبه خود راهلهای قبلی برای صلح و مذاکره را افتناء و به تمام دول عربی و افکار عمومی نسبت به این عمل هشدار میدادند. با این وجود قبول پیشنهادهای راجرز مشاور دولت آمریکا توسط این کشورها، فلسطینی ها را شدیداً متعجب و غافلگیر می کند. این برنامه شامل اجراء قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل همراه با یک آتش بس که هر سه ماه یکبار تمدید گردد، می باشد.

اولین فشار بر سازمانهای آزادیبخش از طرف مصر زمانی آغاز میشود که عبدالناصر دستور بستن ایستگاههای رادیسو فلسطینی (صدای فلسطین و صدای المصطفی) را که بلاقطعاً، طرح صلح و بیلیام راجرز را مورد انتقاد و حمله قرار میدادند، میدهد. در شرایط حاصله از پیشنهادهای راجرز، روابط اردن و فلسطین بار دیگر در جریان ماه اوت روبره تسیرگی میگذازد. ملک حسین که اوضاع را بنفع خود می بیند، زیدین ناگر را که به درخواست سازمان آزادیبخش از بست خود استعفاء داده بود، از نو فرا می خواند و وی را بست فرماندهی ارتش می گذارد. افسران دیگری که در همان زمان مجبور به استعفاء شده بودند به بستهای خود باز میگردند. اما علیرغم بازگشت عناصر خشن و سرسخت ارتش، سازمانهای مختلف اردنی و شخصتهائی چون رئیس مجلس سنا و بعضی از شهردارها درخواست می کنند یک «دولت دموکراتیک وحدت ملی» تشکیل گردد که از اقدامات فداثیان فلسطینی نیز پشتیبانی کامل کند.

با تشکیل اجلاس فوق العاده از تاریخ ۲۸ تا ۲۷ اوت، شورای عالی فلسطینی اعلام میکند که «ما بدون هیچگونه تردید و ابهامی توطئه های آمریکا را در پوشش طرح راجرز کاملاً رد می کنیم».

سومین سوء قصد به ملک حسین

اول سپتامبر (سپاه) ۱۹۷۰، پادشاه اردن از یک ترور دیگری که بر علیه وی انجام گرفته بود، زنده می ماند. بعد از ظهر همان روزیکه او برای استقبال دخترش به فردوگاه میرفت در ساعت ۱۷/۴۰ دقیقه، خود و گارد محافظش به رگبار مسلسل بسته میشوند. این سوء قصد حاکی از جو و اوضاع نگران کننده ای در عمان بود که با تشویش عمومی و شلیک مسلسلها هر روز اوج میگرفت. این نبردها که گاه ساعتها بطول می انجامید، پایتخت اردن را بصورت شهر ارواح درآورده بود. لیست قربانیان - اکثراً غیر نظامیان - بیوقفه اضافه میشد. بعضی از محله ها تحت کنترل فداثیان قرار گرفته بود.

کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش روز بروز با مشکلات روبروستزایدی بسیاری کنترل بعضی از فلسطینی ها مواجه میگشت. بعضی از آنها خود را بعنوان فدائی معرفی کرده، مرتکب اعمالی از قبیل زدی، خشونت با مردم و یسا آتش گسودن بی دلیل

با قبول پیشنهاد جدید صلح آمریکا از طرف بعضی از کشورهای عربی، مهمترین حاده برای جنبش مقاومت در ژوئن ۱۹۶۷ رخ می دهد. چه رهبران فلسطینی از یکسال قبل تا کنون هرگونه راه حل سیاسی و مذاکره را افتناء و به تمام دول عربی و افکار عمومی نسبت به این عمل هشدار میدادند. با این وجود قبول پیشنهادهای راجرز مشاور دولت آمریکا توسط این کشورها، فلسطینی ها را شدیداً متعجب و غافلگیر می کند. این برنامه شامل اجراء قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل همراه با یک آتش بس که هر سه ماه یکبار تمدید گردد، می باشد.

در این زمان فلسطینی ها احساس می کنند که به آنها خیانت شده است. زیرا در سال ۱۹۶۹ زمانیکه ارتش عظیم مصر از حرکت باز ایستاده بود، فقط فداثیان بودند که به نبرد علیه اسرائیل غاصب ادامه میدادند، در حالیکه جبهه اردن در مدت جنگ فرسایشی بدون فعالیت بود. آتش بس چه امر صافی را در جبهه شرقی همراه خواهد داشت؟ آیا این عمل جز تقویت ارتش اسرائیل که از زیر فشار جنگ فرسایشی ارتش مصر در کانال سوئز رهائی خواهد یافت، نتیجه دیگری دارد؟ با این وجود، چیزی که فلسطینی ها از آن می هراسیدند، این بود که تصمیم مصر و اردن دایر بر از سر گرفتن مذاکرات صلح، لزوماً نیابتی منابع عملیات فداثیان در سرزمینهای اشغالی گردد.

بدین ترتیب مقاومت فلسطین فرصت آنکه استراتژی برای ختنی کردن کوششهای صلح اتخاذ کند، نمی یابد. از این رو قادر بیک اقدام مؤثری در این زمینه نمیشود. یاسر عرفات در ۲۶ ژوئیه اظهار میدارد که الفتح: «۷۰ برسمیت خواهد شناخت، نه هیچ کس دیگری را». ما هدفی جز بازپس گرفتن سرزمینهای اشغالی شده مان را نداریم و این آرمان تنها با سلاحهایمان عملی خواهد شد.

جنگ مسلحانه ادامه خواهد یافت

کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین در ۲۵ ژوئیه قطعنامه ۲۴۲ و هرگونه راه حل دیگری از جمله طرح ویلیام راجرز را شدیداً محکوم و رد می کند.

علیرغم ظاهر فریبنده حاکم بر اوضاع، آنچه در بطن حوادث میگردد، اسفبار می باشد. زیرا مقاومت فلسطین بیش از هر زمان خود را مواجه با خطر می بیند و رهبران فلسطینی خود از این مسئله بخوبی آگاهند. آنها معتقدند که بعثت بحران ماه ژوئن ۱۹۷۰، توطئه ای در خاور میانه بر علیه آنها در حال شکل گرفتن می باشد و این امر وضع را در خاور میانه سریعاً دچار تغییرات مهمی خواهد کرد. با پیش بینی این مشکلات و احساس خطر است که آنها مصمم میشوند دفتری بنام کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش به منظور اتخاذ تصمیمهای فوری در برابر حوادث آینده ایجاد کنند. بدین ترتیب «شورای جنگی» برپااست نش نفر از رهبران فلسطینی (یاسر عرفات، حبش، حواتمه، جمائی، ایسام و کمال ناصر) تشکیل میشود. روند کشورهای عربی نسبت به اوضاع در خاور میانه، جنبش مقاومت را شدیداً دچار اضطراب میگرداند.

رسیدگی به حوادث ماه ژوئن

بنسایت سالروز تخلیه پایگاه تریپولی، قذافی در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۰ اظهار میدارد که: «جنگ آینده اعراب بر علیه اسرائیل در جبهه های مستحکم با نرکت سوریه و مصر آغاز خواهد شد، بدون آنکه صحبتی از نفس مقاومت فلسطین در این جنگ کرده باشد».

در کمیسیون که با نرکت چهار کشور عربی (الجزایر، مصر، لیبی و سودان) و نمایندگان دولت اردن و کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش برای رسیدگی به حوادث ماه ژوئن در عمان برگزار شد، موافقتنامه جدیدی بین دولت اردن و رهبران فلسطینی در ۱۰ ژوئیه همان سال منعقد گردید که طبق آن کمیته مرکزی مسئول کلیه اعمال سازمانهای کماندوئی بوده و دولت اردن هائمی نیز از آزادی عمل، مصونیت فداثیان و همچنین حق آنها را در بسج ملکی و توده ای (با حفظ استقلال رژیم ملک حسین) توسط فداثیان از سوی دولت اردن تضمین میکند.

آنچه کشورهای عربی از قبل از آن احساس خطر میکردند، آن بود که با غیرقابل کنترل شدن اوضاع در اردن، نه تنها تهدیدی برای حاکمیت آن کشور خواهد بود، بلکه خطری نیز برای دولتهای عرب مقدم در جبهه جنگ با اسرائیل حساب خواهد آمد.

عبدالناصر طی نطقی در مجلس ملی در ۱۱ ژوئن، ضمن اشاره به اوضاع اردن می گوید: «حوادث اخیر منجر به فاجعه ای خواهد شد که ممکن است موجودیت جبهه شرقی را هم به خطر اندازد». وی بعد از تجلیل از مقاومت فلسطین و همچنین از سازمان الفتح، اظهار میدارد که «ما انتباهات انجام شده از طرف بعضی از سازمانهای فلسطینی را نادیده نخواهیم گرفت». در اینجا عبدالناصر هیچ گونه اشاره و یا انتقادی به رهبران اردن نمی کند. بدین ترتیب از فداثیان خواسته میشود که به پشت جبهه ما انتقال یابند. اکنون با آماده باشی در آمدن هشتاد و دومین لشکر هواپرد آمریکا، رهبران فلسطینی خطر نابودی جنبش مقاومت را از چند سوی احساس می کنند. در برابر خطر مداخله نظامی آمریکا، ژوژ حبش تهدید می کند که از اردن «پستام دیگری» خواهد ساخت. در این زمان کشورهای عربی پیش از پیش از رهبران الفتح به عنوان شخصیت هائی «معتدل» یاد کرده، و رهبران جبهه برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین را «افراطی» توصیف می کنند. رادیسو عمان، یاسر عرفات را «ایوب عمار» می نامد و عبدالناصر از الفتح تجلیل بعمل می آورد. این تیوبه بر بخورد به رهبران فلسطینی ناشی از این حقیقت می باشد که یاسر عرفات در بی یافتن راهی برای مصالحه و آنتی با ملک حسین بوده، در صورتیکه ژوژ حبش در صدد پیدا کردن وسیله ایست تا رژیم اردن را سرنگون کند. بطوریکه روزنامه «پراود» در تاریخ ۱۲ ژوئن می نویسد: بعضی از عناصر در بطن جنبش فلسطین اصل «درابط هر چه بدتر، برای ما بهتر» را دنبال کرده، بدین وسیله به سیاست بیازان آمریکائی و عناصر ماجراجوی غیر مسئول کمک می کند تا از این جو بنفع خود سود جویند. این روزنامه سپس می افزاید که یاسر عرفات نقش بزرگی در عادی کردن اوضاع کنونی داشته است.

طرح ویلیام راجرز

بایها النفس المطمئنه

هان ای، دریا دلان منسجم، نفس آرامش یافته

احمد رضائی، شاهد و شهید هنگامه ها



نوشتن درباره "احمد" و بازگوئی ابعاد زندگی مکتبی و توفنده مجاهدی که شاهد و شهید بسیاری از هنگامه های رویارویی حق و باطل دهه ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰ بوده است، چندان هم ساده نیست.

"احمد" به تعبیری تجسم تاریخ مجاهدات مکتبی خلق ما در آن برهه حساس و خطیر از زمان بشمار می رود.

برگ برگ تاریخ جهاد و شهادت، فقر و استثمار توده ها، زندان و شکنجه و تبعید و رنج طاقت فرسای خلق رنجیده، ما در دهه گذشته، جابجا "یاد" احمد را در سینه پر خشم و خروش خود با مانع داریم. در هر صفحه این تاریخ خونبار در فضیبه پیام و شهادت، در قیام نیمه خونبار خرداد، در دادگاههای نظامی بدر طالقانی و یاران، در مجسدهدایت، در پشت میله های ملاقات پدر و دیگر زندانیان زندان قصر، در دور افتاده ترین روستاهای فقر و محرومیت، در قله های توجال و دماوند، بر مزار شهیدان بانزده خرداد، در بازگشت مجدد امام به قم رزمنده، در مبارزات دانش آموزان و دانشجویان، در محیط های کارگری و روستایی در تظاهرات و اعتصامها و در هر کجا که فریاد خلق بگوش می رسد، قلب "احمد" می تپد.

"احمد" با کوله باری از خود آگاهی و صداقت و همت و جسارت در تمامی این صحنه ها با ایمان و ایثار و صبر و توکل انقلابی حضور داشت و در یک پروسه طولانی در گوره حرکتهای خلق گذاخته و آبدیده شد. "احمد" بر سر پیمان "اناعرضا الامانة" مردانه ایستاد و وعده الهی تحقق یافت که:

"الذین جاهدو فینا لنهینهم سلینا"

قیام مردی بانزدهم خرداد سال ۴۲، تاثیر شگفتی بر او گذاشت. خانه مسکونی "احمد" در آن سالها در قلب قیام مردم قرار داشت و چشم خود دیده بود که "مردم" چگونه بر رگبار مسلسل های آمریکایی شاه، پاسگاه شاهنشاهی میدان "شاه" را واژگون ساخته و میدان را بنام امام خمینی نامیدند.

انقلاب یک میلیون شهیدی الجزایر قهرمان و در سالهای بعد، انقلاب مسلحانه خلق رزمنده فلسطین، عشق بی پایان او به توده های رنج دیده و استثمار شده ایمان مکتبی او، سپیده سحر شب ظلمانی راهبایی "سل" حرکت تکاملی لقاء الهی شدند.

در این روزگار "احمد" ضمن صحبت هایی که با دوستان و یاران خود داشت، بتدریج روی آوردن به مبارزات مسلحانه قهر آمیز دراز مدت مکتبی را مطرح مینمود، اوطی یک پروسه تکاملی از ارائه و طرح شعار فراتر رفته و زندگی پر تلاش خود را وقف تحقق این راه نمود.

"احمد" در چنین وضعیتی به سازمان مجاهدین خلق "راه یافت و جایگاه واقعی خود را بنامیه مسلمانی مجاهد و انقلابی در درون سازمان باز یافت.

زندگی خانوادگی "احمد" با زندگی مکتبی - اجتماعی او سخت در پیوند و تائیر متقابل و غیر قابل تفکیک بودند. فاطمه، رضا، مهدی، محسن، صدیقه، پدر و مادر و حتی فرزندان کوچکتر خانواده هم بشدت تحت تاثیر روحیه و نظام مکتبی سیاسی حاکم، هریک بسهم خود در تحکیم و تکامل این روابط و در تلاش همه جانبه بودند.

"احمد" پس از آگاهی از موجودیت حرکتی مکتبی و سازمان یافته، تلاشهای مستمر و متفاوت سالیان گذشته خود را تماما "در جهت معین و مشخصی که" سازمان "ارائه میداد، متمرکز نمود و همه" توش و توان و تجارب و کارآئیهای خود را در خدمت انقلابی مکتبی بکار گرفت.

"احمد" که از ضربه و یورش شهرپور سال پنجاه مضمون مانده بود، تا آخرین دم حیات و لحظه شهادت - یازدهم بهمن ماه سال ۵۰ - رسالت بازسازی و سازماندهی حرکت انقلابی - مکتبی را با امانت داری و مسئولیت شناسی، انسانی مکتبی بدوش کشید.

کسانیکه در آن روزهای خطیر و "ابتلاء"

بامیریالیسم آمریکا در صدر اخبار روزانه خود از "گشته شدن" خرابکاری !!! بنام "احمد رضائی" خبر داد و روزنامه های عصر آنروز در صفحه اول خود همراه با عکس او، گزارش دیکته شده ساواک را چاپ نمودند.

خون سرخ "احمد" شامگاهان طلیعه سپیده دمان شد.

والفجر
ولیل عشر
سحری و سپیده دمی صبحی در شام ظلمانی و سرد و سیاه خلق در پشت دروازه های شب با سرخی خون شهیدان صلا میداد که صبح در راه شهادت، لحظاتی آرام و فرار نداشت و در میان "الله" ایستاد و جنگید و داع ننگ بر آرزوی خلق و سازمان جاری بود.

وقتی برنامه ریزیهای دقیق "احمد" و دیگر برادران مجاهدش به آزادی و رهائی "رضا" از جنگال دژخیمان ساواک شد، "احمد" یار و راکشید که آتش خشم توده ها را نتا رطاعتیان برادر و مجاهد مسلمان ارزنده ای را در کنار خود یافت. دو برادر، دو مجاهد، دو مسلمان فشرده وفادارانه سرود "لیک اللهم لیبک سر آگاه و مؤمن و وفادار به مکتب در اوج ایثار داد: و اشتیاق همراه و همگام، بار دیگر یکدیگر را باز یافتند. نوبتهای از ایثار و احساس مسئولیت انقلابی او را برادری چنین نقل میکرد:



... رضا با اقدام انقلابی جسارت آمیز خود اطلاعات فراوانی از درون شکنجه گاه رژیم به همراه خود برای سازمان به ارمغان آورد و احمد در سخت ترین شرایط پلیسی وجو خفقان و اختناق در حالیکه تمام نیروهای رژیم برای دستگیری او برانگنده بودند، با جسارت انقلابی تک تک موارد اطلاع و حیر را به منابع ضروری و حتی، منابعی که در پیوند سازمانی و تشکیلاتی نبودند، می رساند. چند روز قبل از شهادت در حالیکه موی سر خود را تغییر رنگ داده و عینک تیره ای بچشم داشت: سر قرار حاضر شد و گفت:

رضا از درون شکنجه گاهها پیامی در رابطه با تو آورده است. نام تو در محدوده مشخصی - که توضیح داد - برای ساواک مطرح شده و اطلاعاتیکه ساواک درباره تو دارد اندک است و در این محدوده خلاصه میشود. بهوش باش و اگر گذرت بشکنجه گاههای رژیم افتاد میباید "بلوف" بخوری که جز آنچه گفتم از تو اطلاعی ندارند.....

احمد نشان داد که: این دریا دلانند که چنین بی پروای از شهادت برای رساندن پیامی که چندان هم با روابط درونی "سازمان" ارتباط مستقیمی ندارد و تنها هشداری است برای برادری، دل بطوفان می- سپارند و مسئولیت را عمق و احساس و امانتهای والا و مکتبی می بخشند.

"احمد" در میان طوفان ابتلی مثل اعلی و مصداق و مخاطب:

یا ایها النفس المطمئنه
ارجعی الی ربک راضیه مرضیه - فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی - گردید و سر سلسه کاروانی از شهیدان مکتبی روزگار ما شد.

غروب یازدهم بهمن ماه سال ۵۰ - "احمد" در یک درگیری نابرابر، مردانه جنگید و در هنگامه پرشوری بشهادت رسید. در ساعت دو بعد از ظهر ۱۲ بهمن ماه رژیم شاهنشاهی وابسته

توضیح

در امت شماره ۴۰، صفحه ۱۲، سندی را سراجعه نمودند و ضمن بیان گذشته ایشان تحت عنوان "روحانی نمایان هنوز بر مسند متذکر شدند که" آقای سید صادق مطهری از کارند! آوردیم که در آن از آقای سید صادق سابقه مبارزاتی برخوردار است و همچنین از مطهری نام برده شده بود، در مقدمه این سند جانب افرادی مورد اعتماد سندی دال بر ایشان بعنوان همکار رژیم گذشته معرفی شده سابقه مبارزاتی ایشان ارائه داده اند، که ما است. پس از انتشار این سند، عدهائی از در اینجا اصل سند را میاوریم تا رفع هر گونه اهالی جالوس و مرزن آباد به دفتر امت نگرانی شود.



گردهمایی جنبش های

انقلابی است. این با پیش مکتبی ما در تضاد است. است چرا که اسلام خود بستانه یک حرکت انقلابی هدفی جز جهانی شدن و وحدت بخشیدن به اقوام متشنت و پراکنده بشری ندارد.

امروزه اگر امیریالیسم جهانی توانسته است با عملکردهای هند خلقی خود جلو تشر و ترویج بسیاری از حرکات انقلابی را بگیرد و روند آنان را با توقف و وقفه رویرو سازد و حتی آنان را در جهت سازش با خود به مسامحه و ممانعت و ادارد دقیقاً بخاطر کم بها دادن به تبلیغ اصولی و همه جاگیر انقلاب است.

حال که با گردهمایی جنبش های رهائی بخش در ایران این طلسم لیبرالیسم و ارتجاع نیز شکسته است امید است این حرکت خود زمینه های بساری تشکیل گردهمایی جهانی متضعین با خاسته باشند و زمینه های فعالیت و همگامی و همکاری های انقلابی آنان را مساعدتر و مستعدتر نماید و در روند خود با تحقق بخشیدن به اندیشه انقلابی امام امت، مستضعفین را در جبهه ای واحد و یکپارچه در مقابل مستکبرین و جهانخواران بین المللی قرار دهد. امید است که این دعوت خود زمینه های ایجاد دفتر هماهنگی جنبش های رهائی بخش جهانی باشد تا از این رهنگر با معرفی اسلام اصیل گام های سومری در جهت همکاری ها و همگامی های انقلابی خلق ها بردارند.

بقیه از صفحه ۶

خلق های تحت ستم و حمایت متقابل آنان از انقلابات رهائی بخش یک اصل اساسی و یک ضرورت حیاتی است. چرا ما نباید با گردهمایی ها و همکاری های همه جانبه انقلابی در جهت تسابردی و خشن ساختن تبلیغات شوم امیریالیستی حرکت کنیم؟ بیایم قبول بکنیم که چنین روندی، ضرورت تداوم و بسویاتی انقلاب است. هیچ قومی با محدود ساختن حرکت و انقلاب اجتماعی خود در چارچوبهای محدود قومی و مرزی قادر تنده است در معرفی خود و حرکت اجتماعی خویشتن قدمی اساسی و اصولی بردارد، چرا که اساساً چنین پیشینی در تضاد با انقلاب و حرکت

امید خلق

به شهید راستین احمد رضایی:

در تند باد حادثه، دست دگر کتاب، غرنده همچو شیر!

آنگه که خلق، در زیر چکمه دژخیمان، گوبنده همچو پتک!

توفنده همچو رود! بر هر چه حاکم و تسلیم، بر هر چه ظالم و دژخیم!

بر هر چه ترس و مرگ، بر هر چه فسد و نیرنگ، نابود گرد هر چه بجز حق بود.

آری: مردی قیام کرد از جمع مردگان! مردی نه! بلکه خدا مردی. بیدار کرد خلق هشیار کرد خلق. نابود گرد هر چه بجز حق بود. خود را فدا نمود. خود را فدا نمود.

خاموش و نا امید! مشغول خویش بود! درسالهای رنج و مشقت، هنگامه تبانی و نیرنگ - مردی قیام کرد، با عالمی غرور و شجاعت. مردی، بزرگ مردی از راهبان خط شهادت. چون تندری جهیید! چون آذری پرید! آتش فگند بر همه دل های نا امید. یکدست بر سلاح،

هموطنان مبارز
لطفاً "وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.

منتشریم

هفته نامه امت شماره ۴۲
چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۸ سال اول
زیر نظر:
نورای نویسنده گان امت
خیابان بهار مسالی نهی خیابان نامجو
۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۹۸۱
چاپ شرکت افست سپاه هلم
۵۸/۶/۱۵ - تهران
م - م